

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

تظا هرات و راهپیمائی صدها هزار نفر بمناسبت گرامی داشت خاطره

شهدای ۱۵ خرداد

روزگرداشت شهدای پانزدهم خرداد روز سه شنبه در تهران و شهرستانها طوسی اجتماعات و راهپیمائی های صدها هزار نفری ضد امپریالیستی و با شعارهایی علیه امریکا و اسرائیل برگزار شد.

بزرگداشت شهدای پانزدهم خرداد روز سه شنبه در تهران و شهرستانها طوسی اجتماعات و راهپیمائی های صدها هزار نفری ضد امپریالیستی و با شعارهایی علیه امریکا و اسرائیل برگزار شد.

کشتار خلق عرب خیانت به خلق هاست

می شوند. بدنبال این واقعه سازمان مذکور به شدت به دستگیری اعضا خود اعتراض می کند و خواستار آزادی آنها می شود. پس از مدتی افراد مذکور خلع سلاح شده و آزادی شونده.

وقایع اخیر خوزستان که منجر به شهید شدن تعداد زیادی از هم میهنان شده است یکبار دیگر ثابت می کند که مسئله خلقها را نمی توان با توسل به زور و با چربسب های تحریک کننده و توطئه گرانه حل کرد. سرکوب خلقها جز اینکه کینه و دشمنی را برانگیزد و به اتحاد و یکپارگی خلق های میهن ما آسیب برساند نتیجه ای نخواهد داشت.

در قطعه نامه پانزدهم خرداد گفته شده است که چپا و لگرن جهانی بخصوصی امریکا بداندند که توطئه های بیشتر مانده آنها و تبلیغات مفرضانه شان علیه نهاد های انقلابی ما را بیش از پیش در حر است از دست آورد های انقلاب اسلامی خویش استوارتر و کوشا تر خواهد ساخت.

ننگ بر امپریالیسم آمریکا و جلادانش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برای گرامی داشت خاطره شهدای پانزدهم خرداد بهانه ای منتشر کرد که در زیر می خوانید:

در تاریخ مبارزات میهن ما، روزهایی که قهرمانها و جانبازان برای مردم از یک سو و چهره زشت و بیادگر امپریالیسم و اعمالش آسوی دیگر به تمامی جلوه گر شده اند بسیار است. تاریخ مبارزات مردم مستبدانه ما خصوصا در دوره سلطه

حمایت از حقوق خلقها ضامن یکپارچگی ایران است

تقریباً از هنگامی که حق خود مختاری خلقها در سطح جامعه مطرح شده است، برخی از مقامات و مسئولان دولتی کوشیده اند بامارک "تجزیه طلبی" و "توطئه" و امثال آن این حقوق ابتدائی و مسلم خلقهای ایران را لوٹ کنند و این به گمان ما دقیقاً همان شیوه های گذشته است که دیدیم چه کسانی از آن حمایت می کردند و به رسمیت شناختن حقوق خلقها به زبان منافع خود می دیدند و امروز هم می دانیم که روش های آنها هرگز نتوانست خلقها را از مبارزه در راه حقوق مسلمشان بازدارد.

بدون تردید اگر حقوق مسلم خلقها به رسمیت شناخته نشود و اگر دولت همین رویه ای را که در پیش گرفته است، ادامه دهد، علاوه بر وحدت خلقها و یکپارچگی ایران آسیب جدی وارد خواهد ساخت و زمینه را برای فعالیت نیروهای ارتجاعی و امپریالیسم که در کمین نشسته است تا از آب گل آلود اختلافات قومی و ملی بهره برداری کند، فراهم خواهد ساخت.

حوادث سوم خوزستان که تاکنون صدها تن کشته و زخمی به جای گذاشته و آتش کینه و نفرت را در میان مردم برانگیخته است بار دیگر نشان می دهد که مساله خلقها یکی از جدی ترین مسائلی است که باید با مسئولیت تمام بدان برخورد کرد و هر چه زودتر حقوق مسلم خلقها به رسمیت شناخت.

امروز ما به وضوح می بینیم که نمایندگان خلق عرب مرتباً تجزیه طلبی را محکوم می کنند و آن را توطئه امپریالیسم می خوانند و خواستار حقوق حقه خلقها در چهارچوب ایرانی یکپارچه، مستقل و آزاد هستند، اما نمایندگان رسمی دولت در هر فرصتی به خواسته های خلق عرب مارک های رنگارنگ می چسبانند و بدینسان می کوشند خواسته های برحق خلق عرب را لوٹ کنند و این از دیدگاه مارویه ای است که می تواند عواقبی وخیم برای ایران در پی داشته باشد. ما معتقدیم که برای حل واقعی مساله خلقها باید حق خود مختاری آنسان را در چهارچوب ایرانی یکپارچه و متحد مورد تأیید و پشتیبانی قرارداد، در غیر این صورت جامعه خوزستان پایان فجایع نخواهد بود و تخم کینه و نفاق می تواند ایران را در کام جنگ شوم داخلی فروبرد.

اتحاد کارگران ضامن پیروزی آنهاست

دشمنان سوگند خورده کارگران میهن ما کارگران ادامه دهند. به محضر اینکه یعنی سرمایه داران وابسته، کارگران رژیم کارگران خواسته های برحق خود را مطرح پیشین وهمه مرتجعین اقدامات وسیعی را کنند می گویند که آنها "کمونیست" برای تفرقه انداختن در میان کارگران هستند.

آغاز کرده اند. اکنون این سؤال برای کارگران توطئه های نفاق افکنانه کارفرما - پیش آمده که چرا وقتی پای خواسته های یان و حامیان آنها در میان کارگران یکی دیگر از شیوه هایی است که آنها در پیش گرفته اند تا مانع از آن شوند که کارگران یکپارچه و متحد برای احقاق حقوق خود اقدام کنند. امروزه کارفرمایان و حامیان تبلیغات وسیع و گسترده ای را بر علیه آنها می کوشند که در کارخانه ها عده ای از کارگران راه نام کارگران مذهبی در برابر همه مردم باید بر علیه امپریالیستها عده ای دیگر بنام کارگران غیر مذهبی و سرمایه داران وابسته متوجه باشند، قرار دهند تا شاید بتوانند در میان کوششهایی صورت می گیرد که این مبارزه کارگران تفرقه بیندازنده با استثمار

بقیه در صفحه ۸

جان حماد شیبانی فدائی خلق که سالها با رژیم شاه و دولت صهیونیستی اسرائیل جنگیده است امروز در زندان به سر می برد. حماد به خاطر اعتراض به بازداشت بی دلیل خود از دهم خرداد در اعتصاب غذا است و مسافانه خاطر عدم رسیدگی مقامات و عدم مراقبت های پزشکی جان حماد در خطر است.

بدون مجلس مؤسسان حقوق مردم ایران پایمال میشود

زاهدی، شاپور بختیار و... صادر شده است یانه؟ چه کسی مخالف اعدام این خائنین است؟ مجلس موسسان به چه سرنوشتی دچار خواهد شد؟ و این همه قول و قرارها درباره این مجلس به کجا خواهد رفت؟ این سئوالات و هزاران سؤال نظیر اینها برای مردم بی جواب مانده است، هیچ کس خودش را مسئول پاسخ به مردم نمی داند و احساس مسئولیت نمی کند. از میان سئوالات فوق در مقطع تاریخی کنونی این سؤال حائز اهمیت زیادی است که:

امروزه مردم از خود می پرسند: "به حرف چه مقامی باید اعتماد کرد؟ حرف دولت موقت و سایر مقامات تا چند روز اعتبار دارد؟ نقش دولت موقت تا چه اندازه است؟ تکلیف مردم در مقابل ایندهمه مطالب ضد و نظیف که در مطبوعات و رادیو تلویزیون از زبان خود مقامات می شنوند چیست؟ کدام را باور کنند؟ ادعای وزیر امور خارجه دکتر تیزی را باور کنند یا اظهارات رئیس دادگاه انقلاب یا حاکم شرع را؟ بالاخره حکم اعدام غیابی خائنین نظیر محمد رضا پهلوی فرح پهلوی، اشرف پهلوی، اردشیر

آیاد مکرسی میتواند برای مدتی طولانی دوام پیدا کند؟

چهارچوب رژیم سرمایه داری به عهده دارند. دادگاهها و قضات بطور نسبی استقلال عمل دارند و در حوزه قوانین موضوعه (که حافظ منافع سرمایه داران می باشند) می توانند آزادانه عمل کرده و حقوق فردی و اجتماعی افراد و موسسات را حفظ نمایند. قوه مجریه نیز بالنسبت مستقل از سایر قوا، وظیفه اجرای قوانین را بعهده دارد، پلیس و ارتش بعنوان ابزار اصلی سرکوب، ضامن اجرایی قوانین سرمایه داری هستند.

آباد ایران دموکراسی می تواند برای مدتی طولانی دوام پیدا کند؟ رهنمای سیاسی در هر جامعه انعکاسی از روابط تسلیدی حاکم در جامعه است. در یک جامعه سرمایه داری کلاسیک، هنگامیکه تضادهای اجتماعی و مبارزه طبقاتی حدت نگرفته است، رژیم حاکم می تواند از طریق روشهای بظاهر دموکراتیک بر مردم حکومت نماید. در چنین حالتی، قانون اساسی و سایر قوانین جامعه، حدود اختیارات و وظایف افراد و موسسات اجتماعی را تعیین می کنند. اهالی مملکت می توانند از طریق انتخابات به اصطلاح آزاد دموکراتیک، هر یک از نمایندگان سرمایه داران را که می خواهند انتخاب نمایند و مجالس قانونگذاری و وظیفه گذراندن قوانین گوناگون مملکتی را در

فرماندهان ارتش هنوز خواب دوران شاهنشاهی را می بینند

فرماندهان ارتش دوباره گستاخی را آغاز کرده و به تهدید، ارباب و عوام فریبی پرداخته اند. آنها دو سه باره مذبحخانه می کوشند سیستم اطاعت کورکورانه و شستشوی مغزی زمان شاه را زنده کنند. در اینجا نمونه زیر لازم است.

۱- سرتیپ امیر رحیمی، درجه -- داران و پرسنل نظامی ارتش را که در دفاع از دستاوردهای انقلاب، خواستار لغو اطاعت کورکورانه هستند، تهدید می کند و به استناد قوانینی که کارشناسان امپریالیسم امریکا و صهیونیستها در ارتش شاهنشاهی تدوین کرده اند، سربازان، درجه داران و افسران را به سرکوب تهدید می کند و در کمال وقاحت می کوشد شیوه ها و قوانین ضد مردمی و جناحیتکارانه سابق را زنده کند، قوانینی که برای

پیروزی کارگران بر حيله و ارباب کارفرما

این شرکت حدود سال ۱۳۴۴ بانام آنتروپوز و با سرمایه فرانسوی در ایران تاسیس شد و در سال (۱۳۵۱) قسمتی از فعالیتهای آن به شرکت فسان که ظاهراً ایرانی بود واگذار شد. کار این شرکت بیشتر طرح های بزرگ ساختمانی و خسیط لوله گاز است. تعداد کارگران این شرکت در سال ۱۳۵۶ حدود ۸۵ نفر بود. با شروع بحران، سرمایه داران برای حفظ منافع خود و بدون توجه به حقوق کارگران به اخراج تدریجی آنها پرداختند. از مهر سال گذشته کارفرما از نبودن مرجعی برای احقاق حقوق کارگران استفاده کرد و آنها را با حداقل مزایای اخراجی (به ازای هر سال سابقه کار ۱ روز حقوق) مجبور به تصفیه حساب کرد و در آبنامه شرکت را تعطیل کرد. در گذشته کارگران فقط یک نماینده داشتند که از طرف کارفرما انتخاب شده بود.

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

سرمایه دار وابسته

در مقابل

سه هزار کارگر

تهران - در حالیکه کارگران برای دست آوردن حقوق خود و نظارت و مشارکت در تولید کارخانه ها و ایجاد شوراها و تشکیلات کارگری مبارزه می کنند، سرمایه داران نیز به مخالفت و نقشه کشی برای مقابله با خواسته های برحق کارگران ادامه می دهند.

حاجی برخوردار " مالک کارخانه پارس الکتریک که بخاطر وابستگی به سرمایه داران امریکائی و صنایع مونتاژ و مکیدن خون کارگران دارای میلیاردها تومان ثروت شده یک نمونه از سرمایه دارانی است که اکنون نیز (پس از انقلاب مردم ایران) همچنان به مبارزه با کارگران ادامه می دهد و مثل گذشته بر "خرماد" سوار هستند.

حاجی برخوردار " که "برخوردار" از حمایت دولت و وزارت کار و بعضی از کمیته ها است تاکنون حاضر نشده است خواسته های اساسی کارگران را بپذیرد. کارگران کارخانه پارس الکتریک در جلسه مجمع عمومی روز نهم اردیبهشت خود ضمن بیان مطالب بالا و افتای اعمال حاجی برخوردار و وابستگی او به بعضی از مقامات فعلی (که پرداخت کمک با کارانه ۲۰ میلیون تومانی اش در آغاز قیام یک نمونه از آن است) خواسته های خود را مطرح کردند. یکی از اعضای شورای کارگران در این جلسه گفت:

" ما خواسته های ده ماده ای خود را که قبلاً تنظیم کرده بودیم با کارفرما در میان گذاشتیم ولی او به غیر از چند مورد جزئی حاضر به پذیرفتن خواسته های ما نشد. یکی از مهم ترین خواسته های ما به هم پیوستن قسمتهای تولید کارخانه شرکت خدمات پارس (وابسته به کارخانه پارس الکتریک) است که روی هم رفته نزدیک به سه هزار کارگر دارد.

همه ما می دانیم که حاجی برخوردار به سال پیش بخاطر پراکنده کردن کارگران و بدست آوردن سود بیشتر این دو قسمت را از هم جدا کرد، در حالیکه مسائل مشترکی داریم و باید با هم مشکل شویم. ما به مبارزه برای متشکل شدن خود ادامه می دهیم و چنانچه کارفرما حاضر به پیوستن این دو قسمت نشود باید دست کشیدن از کار و اقدامات قاطع این کار را راعلی می کنیم."

کارخانه در آمد زیادی دارد و در چند ماه گذشته با بالا رفتن قیمت تلویزیون و ایجاد بازار سیاه این درآمد افزایش پیدا کرده است. ماحق خود را می خواهیم و دیگر اجازه نمی دهیم کارفرما این درآمدهای سرشار را که حاصل کار و زحمت ماست به جیب بزند."

لازم به یادآوریست که قسمت تولید کارخانه در حدود ۲۵۰۰ کارگر و شرکت خدمات پارس که کارش تعمیر وسایل الکتریکی است بیش از ۳۰۰ کارگر دارد. چند ماه پیش شوراها و این دو قسمت نمایندگان خود را که به ترتیب ۴۰ و ۱۰ نفر هستند انتخاب کردند و یکی از وظایف خود را به هم پیوستن این دو قسمت قرار دادند. شوراها به افشا و پاکسازی کارخانه ها از مدیران و سرپرستان مزدور ادامه می دهند و توانسته اند بعضی از خواسته های کارگران مانند اضافه دستمزد ۲۵ روز راعلی کنند.

حاجی برخوردار تلاش می کند میان کارگران تفرقه بیندازد و تاکنون چند بار شوراها را تهدید کرده و گفته است آنها را به رسمیت نمی شناسد. کارگران کارخانه پارس الکتریک که در سالهای گذشته نیز علیه کارفرما مبارزه کرده و چندین بار بطور متشکل و یکپارچه قیام کرده اند، همچنان به مبارزه خود ادامه می دهند.



گسترش اعتصابات در کارخانه ها

گسترش اعتصابات در کارخانه ها

در هفته های اخیر تعدادی از کارخانه ها اعتصابات کارگری فرار گرفته است. موج این اعتصابات در حال گسترش است و کارگران در برابر ناپی گیری و بی تصمیمی دولت نسبت به خواسته های ضدامپریالیستی و بطور کلی عدم تحقق خواسته های سیاسی و اقتصادی شان با اعتصاب روی آورده اند. تا با استفاده از شیوه های قاطع تر در جهت رسیدن به خواسته های خود گام بردارند.

اکنون این سؤال پیش می آید که چرا کارگرانی که در سرنگونی رژیم سلطنتی نقشی قاطع داشتند و تازه مدتی کوتاه از قیام خلق می گذرد، این چنین سریع به حربه اعتصاب روی آورده اند.

واقعیت اینست که وقتی که کارگران می بینند دولت از منافع امپریالیست ها و سرمایه داران وابسته دفاع می کند، سرمایه های امپریالیستی و وابسته راملی نمی کند و به عوض در نظر گرفتن منافع کارگران و تلاش در جهت بهبود زندگی آنها، جانب سرمایه داران وابسته را می گیرد و قوانین و مقررات کار گذشته را به آنها تحمیل می کند. کمترین گذشتی نمی کنند و به شیوه های مختلف از جمله اعتصاب و اشکال عالی تر مبارزه برای گرفتن حقوق خود متوسل می شوند. اما اگر دولت دست به اقدامات قاطع ضد امپریالیستی می زد سرمایه های وابسته راملی می کرد و کاملاً منافع کارگران و زحمتکشان را در نظر داشت، در آن صورت همانگونه که تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است طبقه کارگر هرگونه سختی را تحمل می کرد و در راه احیاء اقتصادی از هیچ کوششی فروگذار نمی کرد.

کارگران ساختمانی که در پادگان بدر آباد خرم آباد کاری کنند در تاریخ ۲۲ اردیبهشت جهت دریافت شش ماه پاداش عقب افتاده خود به "مهندس مناب" مراجعه می کنند. این شخص برخلاف قول قبلی خود پرداخت پاداش شش ماهه کارگران خود داری می کند و کارگران نیز در جلو کمیته فاطمی اجتماع می کنند. سعیدی "سرپرست کمیته ضمن اعتراض به کارگران آنها را ضد انقلابی می خواند و در برابر توضیحات نمایندگان کارگران، آنها را تهدید به دستگیری می کند. کارگران چند اجتماع در محله های مختلف شهر تشکیل می دهند و اعمال ضد کارگری سرپرست کمیته را افشا می کنند.

مبارزه کارگران برای دریافت حقوق عقب افتاده خود ادامه دارد.

کارگران شرکت جرم و پوست خرم آباد در ماه گذشته دست به اعتصاب زدند. آنها خواستار روشن شدن وضع مالکیت کارخانه در زمینه خصوصی بودن آن شدند. کارگران اعتصابی همچنین خواهان اخراج کسانی شدند که بوسیله سرگرد و کیلی، رئیس حفاظت سابق شرکت (معاون ساواک خرم آباد) استخدام شده اند.

دریافت ۲۵۰۰ ریال اضافه حقوق که شش ماه است به آنها پرداخت نشده است. خواست دیگر کارگران است.

اهواز - (به نقل از نشریه فولاد) - کارگران ماشین سازی پارس اهواز (وابسته به صنایع فولاد) به علت نپرداختن اضافه حقوق که ماههاست از موعد آن می گذرد دست از کار کشیدند. کارگران برای ادامه اعتصاب خود صندوق کمک برای کارگران بی پول تشکیل دادند تا بتوانند در سایه همبستگی و رفاقت به مبارزه خود تاهپروزی ادامه دهند.

تهران - کارگران هتل بین المللی برای بازگشت به کار و تعقیب با تمانق لچ صاحب هتل که از وابستگی دربار است متحصن شده اند.



هموطنان مبارز! پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال نمایند. تهران - خیابان بلوار، خیابان فدائی (میکده) فیش بانکی کمکهای مالی خود را که به بانک واریز شده است مستقیماً برای ستاد آدرس بانکی سازمان چریکهای فدائی

کارگران مس سرچشمه کرمان

عاملان حمله به خوابگاه کارگران باید تعقیب شوند

۴- کاهش ساعات کار از ده ساعت به هشت ساعت در روز و چهار روز تعطیل در ماه.

۵- تعهد یکساله ای که کارفرما از کارگران برای حقوق ثابت گرفته باطل شود.

ضمناً کارگران در تلاش هستند تا سندیکی خود را برای پیگیری خواسته هایشان بوجود آورند.

آمل - کارگران شرکت ساختمانی پرهام واقع در جاده کمربندی آمل که از دی ماه سال گذشته بیکار هستند خواهان شروع فعالیت مجدد کارگاه، پرداخت حقوق سیکاری خود (طی بخشنامه ۶۰۷۵ مورخ ۵۸/۲/۸) و همچنین پرداخت کلیه مزایای قانونی (حقوق اولاد، مسکن، حوار با روغره) هستند.

سنندج - شورای سندیکی کارگران سنندج در تاریخ ۵۸/۲/۲۲ "خانه کارگر" این شهر را در خیابان چهارباغ افتتاح کرد. در نخستین جلسه که در خانه کارگر تشکیل شد اعضای صنف قصاب و خوراکیبزی شرکت کردند و سندیکی خود را بوجود آوردند.

صمندر تاریخ ۵۸/۲/۲۲ شورای سندیکیها به منظور تشکیل شرکت تعاونی کارگران جلسه داشت که هشت نفر به عنوان اعضای شرکت انتخاب شدند.

کارگران شرکت "نیر پارس" خرم آباد قسمت مجتمع صنعتی اسکلت سازی که پس از ماههای بیکاری در تاریخ ۲۰ اردیبهشت به کار بازگشته اند، خواهان تصفیه عناصر ضد انقلابی و وابسته به رژیم گذشته در این کارخانه شدند. کارگران علیه اردشیر مومنی و هم دستانش که در گذشته شیوه های ضد کارگری داشته اند شکایت کرده اند.

بیانیه شورای کارمندان شرکت واحه - تهران - شورای کارمندان شرکت واحه اتوبوسرانی تهران و حومه در بیانیه ای به اتهامات هیات مدیره شرکت نسبت به شورا که در نشریه های ۱۹۹۹ اردیبهشت منعکس شده، اعتراض کرده و اعلام داشته اند چنانچه مدیران شرکت حاضر به شناسایی شورا که از طرف کارمندان انتخاب شده اند، شوند، علیه آنها اعلام حرم خواهند کرد.

پیام اتحادیه کارگران بوکان به کارگران روستائی

بوکان - " اتحادیه کارگران بوکان" در پیامی خطاب به کارگران بیکار روستائی ضمن اعلام پشتیبانی از خواسته های روستائیان و یادآوری این نکته که صفوف کارگران، چه شهری و چه روستائی یکی است نوشته اند:

"رفقا و همزنجیران روستائی، ما دروهای رفیقانه خود را نشان شما می کنیم و اعلام می داریم تقسیم کارگر به شهری و روستائی به این بهانه که آنها را از حقوق اجتماعی محروم کنند، تقسیم مذبذبه ای است که باید متحداً علیه آن مبارزه کنیم. مادر دو خواسته های مشترک و سرنوشته مشترک داریم و این سرنوشته ما را به راه و عمل مشترک می کشاند.

در قسمت دیگری از این پیام آمده است: " مایکاری و بی چیزی شکارگران روستائی را با پوست و استخوان خود گذراندن را که با سکوت دولت مشغول توطئه در روستاها هستند محکوم می نمائیم ماصریحا اعلام می کنیم که اینگونه تحریکات نه می تواند راه مارا تغییر دهد و نه قادر است شکم کودکان مارا سیر کند. ما دوست و دشمن را از هم باز می شناسیم و توطئه گران را رسوا می کنیم."

عصر روز شنبه ۲۲ اردیبهشت واقعه ای در خوابگاه کارگران مجتمع مس سرچشمه کرمان به وقوع پیوست که مورد اعتراض شدید کارگران قرار گرفت و منجر به راهپیمائی و شکایت گروهی از کارگران به دادگاه و فرمانداری رفسنجان شد. این واقعه نمایانگر اعمال خلاف و ضد کارگری کسانی است که می پندارند هنوز در زمان "آریامهر" به سر می برند و می توانند باز بر پا گذاشتن حیثیت و شرف کارگران به هر عمل کثیف و زذیلانه ای دست بزنند. در این روز چند تن از نگهبانان مجتمع مس سرچشمه در بازرس بدنی دوتی از کارگران تعدادی از ابزار و وسائل کار آنها را به اتهام اینکه می خواستند این ابزار را از محل مجتمع خارج کنند می گیرند. بدنیال این جریان معاون مدیرعامل بنام "سهلول رساور" دستور بازرسی کامل خوابگاه کارگران را صادر می کند. بلافاصله پس از این دستور گروهی از پاسداران به اتفاق شخصی به نام احمد کاشف (از اعضای حفاظت سابق و دست نزدیک سرنگ تاجفر رئیس حفاظت سابق که اکنون زندانی است) به محل خوابگاه حمله می کنند. کارگران در برابر این اقدام غیر انسانی مقاومت می کنند اما مهاجمین با شکستن چند پنجره داخل خوابگاه می شوند و ضمن اهانت به کارگران مشغول زبر و رو کردن اثاثیه آنها می شوند مهاجمین حتی آلبوم عکسهای خانوادگی کارگران را نیز بازرسی می کنند.

کارگران که از این عمل نا جوانمردانه به شدت خشمگین شده بودند روز بعد دست به اعتراض می زنند و اقدام به راهپیمائی به طرف شهر می کنند. هنگام خروج از دروازه معدن در رفسنجان پاسداران مسلح، کارگران را محاصره می کنند اما کارگران به حرکت خود ادامه می دهند و گروهی از آنها مابینی بوس خود راه شهر می رسانند و ضمن مراجعه به ستاد انقلاب خواهان تعقیب عاملان این واقعه شرم آور می شوند ولی چون به خواست آنها توجه نمی شود به دادگاه کرمان و فرمانداری رفسنجان مراجعه علیه مهاجمین شکایت می کنند.

کارگران شرکت ملی صنایع مس ایران در بیانیه ای ضمن محکوم کردن این عمل ضد کارگری و غیر انسانی که تجاوز آشکار به حقوق دمکراتیک کارگران است یاد آور شدند تنها کسانی می توانستند اینگونه اتهامات را به کارگران بزنند و به خود اجازه بازرسی محل زندگی کارگران را بدهند که اشرافیت انسانی و ارزشهای اخلاقی بی بهره باشند.

مجازات عاملان حمله به خوابگاه کارگران شده اند.

کارگران ریسندگی و بافندگی رضویه کرمان مجبور به ده ساعت کار شده اند. کرمان - کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی رضویه کرمان که در اثر مسازرات بیکار موق به دریافت حقوق عقب افتاده و عیدی سال گذشته و امال خود شدند اعلام داشتند که خواهان اجرای قطعنامه ۱۲ ماده ای هستند که قبلاً اعلام داشته اند. کارگرانی می گویند کارفرما بنام "محسنی باهمکاری مدیرعامل بنام " حاج علی علی احمدی " می خواهند شرایط گذشته را که طی آن هفت سال خون کارگران را مکیده اند دوباره بر کارگران تحمیل کنند. کارفرما با فریب دادن و تهدید بعضی از کارگران از آنها خواسته به در روز تعطیل درآمده ساعت کار روزانه رای بدهند. در حال حاضر این شرایط را به کارگران تحمیل کرده است. کارگران خواهان اجرای خواسته های زیر هستند و اعلام داشته اند چنانچه به خواسته های آنها توجه نشود کارخانه را با نظر مسئولان اداره خواهند کرد.

پاره ای از خواسته های کارگران ریسندگی و بافندگی رضویه کرمان عبارتست از: ۱- سلب قدرت از کارفرما (محسنی) و جلوگیری از دخالت او در امور کارگری ۲- افزایش دستمزد. ۳- ایجاد شرکت تعاونی و نهادهای خوری و یکسره شدن کار (چون بیشتر کارگران زن هستند و باید به امور سر خانواده شان برسند).

فعالیت خود را به سندیکا محدود نکنیم

ناظم حکمت

بانک رسای همبستگی بین المللی
کارگران و زحمتکشان



ناظم حکمت، نویسنده، شاعرو انقلابی بزرگ ترک در سال ۱۹۰۲ در استانبول به دنیا آمد. از همان کودکی ونوجوانی به شعر علاقه فراوان داشت. در ۱۸ سالگی شعر بلندی علیه اشغالگران وطنش سرود و بهدینک از سوی انگلیس ها تحت تعقیب قرار گرفت. در ۱۹۰۹ سالگی به شوروی رفت و در دانشگاه مسکو، در رشته جامعه شناسی فارغ التحصیل شد. پس از آن به کشور خود بازگشت. اوزندگی بسیار بی سامان و سرشار از تلخی ورنج داشت. برای گذران زندگی خود به کارهای گوناگونی دست زد. مانند نوشتن در روزنامهها، کار در چاپخانه ها و دوبله کردن فیلم در استودیوها. در سال ۱۹۳۸، همزمان با اوچکیری روزافزون نهضت آزادی خلق ترکیه به بورش نیروهای فاشیستی حاکم به انقلابیون نیز آغاز شد. ناظم حکمت، که تمام نیروی ذهنی و هنر خلاق خود را در خدمت مبارزه مردمش علیه نیروهای اهریمنی فاشیسم فرار داده بود، در این سال در یک دادگاه سری نظامی به اتهام "تلیفات کمونیستی در ارتش" به ۲۸ سال زندان محکوم شد. او در دادگاه از خود و آرمان های اجتماعیش فخرمانانه به دفاع برخاست. تلخ در راه پیروزی کمونیسم راندریفت، اما غیرقانونی بودن آن را هرگز.

اوسزده سال تمام همراه با کرسنگی بیماری، شکنجه، تهدید به مرگ هزاران نیرنگ فاشیستی دیگر در زندان به سر برد و سرانجام در سال ۱۹۵۱ پس از آنکه تمامی نیروهای مترقی جهان بکپارچه به دفاع از او برخاستند و دولت ترک را برای آزاد کردنش تحت فشار گذاشتند. از زندان آزاد شد. او بازم در ترکیه تحت نظر بود و ناچار شد از ترکیه به گریز دناستواند مبارزات بی امانش را علیه فاشیسم، ارتجاع و تمامی نیروهای ضد مردمی در پهنه وسیع تری دنبال کند. ناظم حکمت در سال ۱۹۶۳ در سن ۶۱ سالگی در مسکو جهان را بدرود گفت. چه در زندان و چه در بیرون از زندان، ناظم حکمت آنی از یاد خلق های سراسر جهان و آرمان های خود غافل نبود در سلول تنگ و تاریک زندان، قلب این فرزند راستین خلق ترک در همه نبردها و انقلاب ها و پیروزی ها و شکست های جهانی خلق ها و زحمتکشان جهان، پر شور و بی عاطفه می تپید. در رم، مادرید، آدین آبابا، جن، استالینگراد، پاریس، ماریو... هنگامی که رادیو آنکارا سرود فتح هتتر را می خواند، ناظم حکمت در پشت میله های زندان وطنش می سرود. از چهار روز به این طرف مسکو دیگر در خطر نیست..... آنها که با میخ باشند ایشان

به صد آدمی آوردند کوجهای پاریس را از دروازه مسکو عقب نشینند. در شعر دیگری که درباره بیماری قلبش سروده می گوید. اگر نصف قلبم اینجاست، دکتر نصف دیگرش آنجاست. در چین در هر سینه دم، قلبم در یونان تیرباران می شود. نگاه می کنم از پشت میله ها به بیرون. با وجود همه این دیوارها که بر سینه ام فشار می آورد آهنگ تپش قلبم را در دل دورترین ستاره های منوم. در " سرودهایی برای تارانتا بابو" شهر رم یعنی قلب فاشیسم ایتالیا را چنین توصیف می کند. آری، تارانتا بابو ره را چنین بی ریخته اند گلش را بادلوهاشیر ماده گرگ و مثنی خون برادر آمیخته اند. و در جای دیگر به ریشه ها و ارکان فاشیسم نیز اشاره می کند. اوششان می دهد که چگونه شراره های فاشیسم از " عصای اشراف زمیندار" و " گاوصندوق" های بانکداران رم " برمی خیزد و به کله طاس ایل دوچه" (لقب موسولینی) فرو می رود. شعر ناظم حکمت، به سبب جهانی بودنش عظمت دارد. اما نباید از یاد برد که او پیش از هر چیز، شاعر واقعی طبقه

کارگر بود. در همه اشعار او، ایمان کامل به نقش تاریخی طبقه کارگر در پی ریزی سوسیالیسم موج می زند. او خطاب به کارگران می سراید. این جهان بر شاخ های گاو استوار نیست. تنها بر سرانگشتان شما ایستاده است و می افزاید که اگر همه به شما دروغ می گویند، تنها از آن روست که از طغیان دستهای شما می ترسند! ناظم حکمت تمام امکانات زبان خود، تمام امکانات فرهنگ توده های مردم را با هنر مندی و بیهوشی بگرمی گیرد. در شعر او، همگی مفاهیم سیاسی و اجتماعی در عین صراحت و کوبندگی، به شکلی کاملا هنرمندانه در قالب شعر ریخته شده است و از این رو مطالعه آثار او برای علاقمندان هنر و ادبیات کارگری می تواند بسیار آموزنده باشد. مثلاً هنگامی که او می خواهد به جنایت انحصارگرانی که مواد غذایی را به دربار می ریزند تا قیمت آن پایین نیاید اشاره کند، این راه شکل بسیار زیبایی بیان می کند و می گوید. " اکنون ماهیان دریا قهوه می نوشند در حالیکه کارگران و زحمتکشان را با " حرف" سیر می کنند. ناظم حکمت، یک کمونیست بزرگ بود. ناظم حکمت، رفیق طبقه کارگر جهان، دوست همه خلقها و سرودخوان خستگی ناپذیر انترناسیونالیسم پیروزمند پرولتری بود.



سخنی با دوستانی که شعر میفرستند

در شماره قبل وعده دادیم که مقالاتی در رابطه با شعر و بررسی اشعار رسیده چاپ خواهیم کرد. ممکن است از هفته قبل تا بحال سئوالاتی برای شما پیش آمده باشد مانند اینکه، " چه لزومی دارد اینقدر به شعر بپردازیم؟ چرا در هر شماره فقط شعر چاپ می شود و حالا هم مقاله ای درباره شعر چاپ خواهد شد در حالیکه به دیگر اشکال هنر و ادبیات توجهی نمی شود؟ و اصولاً چرا باید اشعار رسیده را " بررسی" کرد؟ چون واضح است که خوانندگان آنها را برای چاپ فرستاده اند نه برای بررسی. حال ببینیم به این پرسش ها

تنها " تشویق" شما باشد. (بخصوص اگر منظور از این " تشویق"، کمک به حفظ یا ادامه یک رابطه سیاسی باشد.) تجربه حتی نشان می دهد که در مواردی، آثاری که شما " پس از تشویق" برای ما فرستاده اید، به خوبی آثار قبلی نبوده است. پس تنها تشویق (و آنهم تنها با چاپ یک اثر) کافی نیست. ما باید بگوئیم " ادبیات کارگری" را به سطح بالاتری ارتقاء دهیم و به آن غنا و اعتدالی بیشتری ببخشیم. و این کار را با بررسی شعر شروع خواهیم کرد چرا که شما خود نشان داده اید که به شعر بیشتر علاقه و توجه دارید.

★ ادبیات کارگری باید بر اساس ایدئولوژی و جهان بینی طبقه کارگر یعنی (سوسیالیسم علمی) ایجاد شده باشد

چگونه می توان پاسخ داد. اینکه چرا ما به شعر زیاد توجه می کنیم، پاسخی بسیار ساده دارد. علت آن، توجه زیاد خوانندگان ما، یعنی خود شما، به شعر است. ما گفتیم که در میان صدها اثری که به دست ما رسیده تقریباً تمام آنها (بجز دوسه مورد) شعر بوده است. پس باید از شما خوانندگان عزیز سؤال کرد که چرا هر موقع به یاد صفحه ادبیات کارگری می افتید و تصمیم می گیرید مسائل و آرزوها و احساسات خود را با ما مطرح کنید، از " شعر" استفاده می کنید و این شکل و شیوه بیانی را بکار می گیرید؟ پس لابد علت و انگیزه ای در میان است که شما بسیاری از حرف های خود را به شکل شعر بیان می کنید. لابد زمینه مساعد و عوامل معینی در فرهنگ ما و در روانشناسی اجتماعی ما وجود دارد که باعث می شود گروه های مختلف خوانندگان ما (کارگران، کارمندان، دانش آموزان و دانشجویان...) به شعر گرایش و رغبت پیدا کنند. مافعلات توجه به علاقه خوانندگان به شعر، به طرح مسائلی درباره شعر می پردازیم و بررسی علل و عوامل این علاقه را به فرصت مقتضی موقوف می کنیم. این توجه زیاد شما به شعر دووظیفه ایجاد می کند: ۱- وظیفه ای برای روزنامه، شما دوستان و فرستندگان شعر را با مسائل مربوط به شعر همساز و هماهنگ کند. ۲- وظیفه ای برای خود شما، ضمن همکاری با روزنامه و ارائه نظراتتان تفاوت هایی را که میان کلام شعری و غیر شعری هست با شناسایی مسائل و روابط بهتر و بیشتر در نظر بگیرید. مافکر می کنیم که انجام این دو وظیفه راه رسیدن به ادبیات کارگری را برای همه ما هموارتر می کند و به فراهم آمدن شناخت لازم از طریق بررسی مسائل شعری، یاری می کند. پس روشن است که هدف ما از چاپ آثار شما در این صفحه، نمی تواند (و نباید)

واما چگونه این کار را خواهیم کرد؟ شاید شما انتظار داشته باشید که ما در ابتدا شعر را " تعریف" کنیم و خصوصیات آن را توضیح دهیم. اما این به عملی هست و نه مفید. می دانید که " شعر" یک تعریف واحد و مشخص ندارد و از هر تعریف آن نیز برداشت های ذهنی متفاوتی ممکن است بشود. پس درست تر آن خواهد بود که ما از اشعار خود شما کمک بگیریم. بخش هایی از یک شعر شما را با بخش هایی دیگر از آن یا حتی با شعر یک خواننده دیگر مقایسه کنیم تا شما خود تفاوت ها را دریابید و معلوم شود که چرا یک قسمت از خصوصیات شعری بهره مند است و قسمت دیگر بهره مند نیست. ما از خود شما نیز می خواهیم که در این مقایسه ها شرکت کنید و نسبت به تفاوت هایی که مطرح خواهیم کرد نظر دهید. و از این طریق، به یاری شما اندک اندک معیارها و انضباط ها و اصول اساسی سرودن شعر (از نظر زبان، روابط کلمات و غیره) روشن خواهد شد. ما از شماره بعد بررسی های خود را به شکلی که بیان کردیم آغاز خواهیم کرد و شما هم اگر بارانه نظرات خود ما را در این راه یاری کنید سپاسگزار خواهیم شد. در اینجاست که دیگر را توضیح می دهیم. اول هم چنانکه در شماره قبل یاد آوری کردیم، منظور ما از هنر و ادبیات کارگری، آن هنر و ادبیاتی نیست که فقط درباره کارگران باشد، یا فقط خود کارگران آن را ایجاد کرده باشند. این که چه کسی آن را ایجاد کند یا درباره چه چیزی باشد مهم نیست، مهم آنست که بر اساس ایدئولوژی و جهان بینی طبقه کارگر (یعنی سوسیالیسم علمی) ایجاد شده باشد و از ضوابط " رئالیسم سوسیالیستی" که قبلاً توضیح داده ایم و باز هم در صورت لزوم توضیح خواهیم داد) پیروی کند. اما در عین حال که ما تنها به ایدئولوژی و جهان بینی توجه داریم، باز هم در بررسی اشعار رسیده ناگزیر بقیه در صفحه ۹

اتحاد کارگران ضامن پیروزی آنهاست

بیهودی، زرتشتی و غیره باید ایمن حق داده شود که اعتقادات و مراسم مذهبی خود را داشته باشند و هیچگاه زیر فشار تفتیش عقاید قرار نگیرند. روحانیت مترقی و مبارز نیز از نظر مسا قابل احترام است.

تنهادهای دشمنان خلق هستند که به اختلافات مذهبی در میان مردم دامن می زنند و آنها را به مذهبی و غیرمذهبی تقسیم می کنند. زیرا از اتحاد و یکپارچگی زحمتکشان می ترسند.

امپریالیستها، سرمایه داران وابسته و مترجمین از اتحاد کارگران وحشت دارند، زیرا که وحدت کارگران مقدمه نابودی آنهاست.

تجربه کارگران نیز ثابت کرده است که هر زمان همه کارگران متحد شده و برابری گرفتن حق خود دست به مبارزه بر علیه سرمایه دار زده اند، پیروز شده اند. اهانگامیکه در میان کارگران تفرقه افتاده است، نتوانسته اند پیروز شوند.

پس اگر امروز درد درون کارخانه ها با اختلافات مذهبی دامن می زند و کارگران را به مذهبی و کمونیست تقسیم می کند کارگران باید آگاه باشند که این توطئه ای است از جانب امپریالیستها سرمایه داران وابسته و نوکران آنها، برای تفرقه انداختن در میان کارگران.

بقیه از صفحه ۱

رایه مبارزه بر علیه کمونیستها تبدیل کند؟ جواب این سئوالات بسیار ساده است. علسر آنست که کمونیستها تلاش می کنند کارگران را آگاه و متشکل کنند و می گویند مبارزه کارگران را بر علیه دشمنان خلق و استثمارگران رهبری کنند. کمونیستها معتقدند که سرانجام باید تحت رهبری طبقه کارگر جامعه ای پدید آید که دیگر در آن از سرمایه دار و ارباب خیری نباشد، نه طبقه استثمارگری باشد و نه طبقه استثمار شونده ای. آنها معتقدند که باید این بی عدالتی که در بسکوی جامعه بعدی پروتند مفت خور از طریق استثمار زحمتکشان در عییش و نوش برمی برند، در سوی دیگر انبوهی از مردم زحمتکش در جنگال فقر و تهیدستی گرفتارند از بین ببرند.

* حیلۀ سرمایه دار

روشن است که امپریالیستها و سرمایه داران نیز آرام نمی نشینند. آنها همه نیرو و امکانات خود را بر علیه کمونیستها که دشمنان واقعی آنها هستند بسیج می کنند. آنها بخواهی می دانند که اثر کارگران آگاهی طبقاتی بدست آورند رهبری مبارزات ستوده های مردم را بدست گیرند، ابتدا سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته را نابود خواهند کرد و سپس به استثمار انسان از انسان با بان خواهند بخشید و دیگر کسی نمی تواند با در اختیار داشتن کارخانه و زمین ها (و بطور کلی وسایل تولید) زحمتکشان را استثمار کند.

مبارزه امپریالیستها، سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، زمینداران بزرگ و همه استثمارگران بر علیه کمونیستها و شیوه هایی که برای ایجاد نفاق در میان کارگران بکار می برند به هیچ وجه تازگی ندارد. در همه جای دنیا و در همه کشورهای سرمایه داری استثمارگران از راههای مختلف تلاش می کنند تا کارگران را نسبت به کمونیستها بدبین کنند. اما کارگران بسیاری از کشورهای بی به ماهیت تبلیغات ضد کمونیستی استثمارگران برده اند و کارگران مانیز هر روز که می گذرد آگاهتر می شوند و می برند که تنها گناه کمونیستها آنست که از منافع کارگران دفاع می کنند و تقسیم کارگران به مذهبی و کمونیست در واقع حیلۀ کارفرما است.

* احترام به مذهب

از نظر ما اعتقادات مذهبی همه مردم قابل احترام است. ما معتقدیم که احدی حق ندارد به اعتقادات مذهبی مردم حمله کند. مابۀ آزادی مذهب و اندیشه اعتقاد داریم. ما جدا معتقدیم که به همه مردم اعم از شیعه و سنی مسیحی،

کارگران شرکت فسان خواست خود را از کارفرما گرفتند

پیروزی کارگران بر حیلۀ و ارباب کارفرما

س کارگران بهره افکی می کنند از ورود آنها به شرکت جلوگیری کردند. کارمندان به کمند مطفد رسید و وعده می ملحق را با خود شرکت آوردند. یکی دوس از افراد ملحق بر خودی رسیده با کارگران دانستند و به توضیحات آنها بوجهی نکردند و به حمایت از سرمایه دار بردارند و در چند مورد کارگران را با اسلحه تهدید کردند. کارگران از این امر عصبانی شدند و به قفس عمده خود در اغلاب اشاره کردند و به سوه برخورد آنها بدست اعتراض کردند. بالاخره در نتیجه مقاومت کارگران افراد ملحق محل شرکت را ترک کردند. س از همین این افراد و درسی عاس تلفی سرمایه دار، عده دیگری از افراد ملحق به همراه یک افسر سپه پاسی و به سر برستی یک روحانی به شرکت آمدند و نحوه برخورد آنها بسیار زادی به ثور و فنی داشت. حرفهای روحانی که عمل در سرمایه دار حمایت می کرد مورد اعتراض کارگران قرار گرفت و محسباً متشنع شد. افسر مذکور مسلسل خود را طرف یکی از کارگران ساسه گرفت. کارگران از این عمل وی بدست حمله کردند و سوه های خود را در مقابل او گرفتند و به طرف وی رسید. افسر از حرکت کارگران ترسید، اسلحه را به روحانی سپرد و کارگران او را با اسلحه ایداحتند. روحانی نیز خود را ترک کرد.

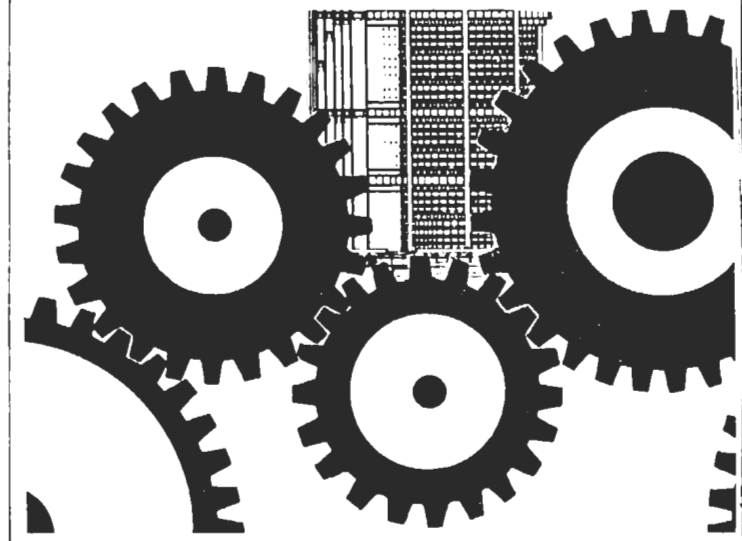
نصحت کرد و به مسائلی که ربطی به خواسته های کارگران نداشت، پرداخت و در آخر از کارگران خواست که نمایندگی خود را انتخاب کنند. کارگران در جواب به او گفتند: "قبلاً نمایندگان خود را انتخاب کرده ایم."

بالاخره مذاکره سرمایه دار و نمایندگان کارگران به همراهی روحانی و مدیر شرکت آغاز شد. اما دوس نتیجه نایان یافت. نمایندگان نپذیرفتند خواسته هایشان از طرف سرمایه دار را به اطلاع کارگران رسانند. یکی از کارگران گفت:

بقیه از صفحه ۱

• چگونگی مبارزه کارگران

شروع مبارزه با کارفرما بعد از تمام بود. شور انقلابی همه کارگران را در سر گرفته بود. بیرونیهای بدست آمده توسط مردم سطح خواسته های منطقی کارگران را به مراتب بالا برده بود و همه همان نسبت میزان مبارزه جوئی هم افزایش یافته بود. کارگران استادی را گرفتن حقوق عقب مانده خود به وزارت کار مراجعه کردند. درسی مراجعه های مکرر به آن وزارت فهمیدند که قصد حل مشکل آنها ندارد. به این جهت با



پس نهضت ادامه دارد

روز بعد سرمایه دار و نمایندگان وزارت کار از پیروزی کارگران و نمایندگان آنها، استفاده می کنند و قطعنامه ای را که کاملاً به نفع سرمایه دار بود به امضای تمامی کارگران می رسانند. سپس این قطعنامه قرار می شود که حدوداً ۳۵ نفر از کارگران به سرکار بروند و کار با نماینده رانجام کنند تا حقوق کارگران پرداخت شود.

سرمایه دار و نمایندگان وزارت کار با این حیلۀ موفق می شوند که موفقاً کارگران تفرقه بیندازند. اما کارگران خیلی رود به این حیلۀ سرمایه دار و عوامل اوبسی می برند. در نتیجه روز سیم فروردین ۵۸ محدود در جلو دفتر مرکزی اجتماع می کشند و خواهان رسیدگی واقعی به خواسته های برحق خود می شوند.

استاد کارفرما می کشد با داد و فریاد و اتاره به قطعنامه مذکور آنها را سرد واد ولی کارگران بر سر نمی روند. انگاه اوس می کشد آنها را با وعده راضی کند و می گوید فعلاً همان ۳۵ نفر به سرکار بروند و بقیه تا اول اردیبهشت تکلیفشان روشن می شود. کارگران می گویند: "بایستی به سرکار می گردیم پس هیچکدام از اینها بیرون نمی رویم."

سرمایه دار که با سرسختی کارگران روبرو شد گفت: "نه پول برای پرداخت حقوق دارم و نه کار."

دانشجویان تعاس گرفتند و در روز بیست و نهم از یک جمع کارگاه اجتماع نمودند و با آنها سبهای عمده خود یعنی "پرداخت حقوق عقب مانده"، "بازگشتی کارگاه" و "سازگاری کارگران" را مطرح کردند. کارگران در طی مذاکرات دسته جمعی خود به حیلۀ سرمایه دار یعنی "نودن کار" و "ضرر رسیدگی" پی بردند. آنها می گفتند "اگر شرکت ضرری کند کارگاه را بدست کارگران ندهد تا کارگران ضرر کنند. در سالن غذاخوری که محل اجتماع آنها شده بود ادامه یافت. کارگری در رمنه اتحاد می گفت:

"قبلاً اگر اعتراضی داشتیم، به تنهایی انجام می دادیم و سرمایه دارها هم مارا که برانگیزه بودیم، یکی یکی خفه می کردند و بدین خاطر بود که مابۀ حقوق واقعی خودمان نمی رسیدیم، چونکه با هم نبودیم. اگر ما با هم متحد بشویم، نیروی ما زیاد خواهد بود و دشمن نمی تواند مارا نابود کند پس ما باید تسامح می توانیم اتحاد داشته باشیم، سندیکا تشکیل بدیم و نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنیم و عوامل سرمایه دارونما - بنندگان فرمایشی را از بین خود طرد کنیم."

نتیجه بحث و گفتگوها این شد که برای رسیدن به خواسته های بطور متحد و از طریق نمایندگان عمل که سر کارگران پس از رسیدن به این نتیجه کارخانه را ترک کردند تا روز بعد با حضور تعداد بیشتری انتخابات را برگزار کنند.

• ادامه مبارزه

روز بعد حدود هشتاد نفر از کارگران اخراجی جلو دفتر مرکزی جمع شدند و تن را از بس خود بعنوان نماینده انتخاب کردند و به اتفاق آنها برای مذاکره با سرمایه دار به دفتر وی رفتند. سرمایه دار ابتدا با قدری در مقابل خواسته های کارگران استادی کرد ولی با برخورد مصمم و فاطمانه کارگران روبرو شد. یکی از کارگران خطاب به سرمایه دار گفت:

"من ۲۵ سال کار کرده ام، چرا باید حق من باطل شود؟ شما سرمایه دارها خون مارا مکیده اید، مارا مسبل دانه انگور فشرده اید، آب مارا گرفته اید و اکنون نغاله مارا بیرون اداخته اید."

در مقابل چنین برخورد های فاطمانه کارگران، سرمایه دار کم کوتاه آمد و حاضر شد امتیازاتی بدهد و در نتیجه به وزارت کار تلغف زد. پس از مدتی نمایندگان وزارت کار به اتفاق یک روحانی به دفتر آمدند. روحانی آغاز

در نهایت س ارا که کلسه حیلۀ سرمایه دار به سخته رسید و او در نهایت که کارگران ترسیدند به خواسته های برحق خود دست ارضارده می دادند و به شخص امانت می دهند محبوبه عفت سسر بدو قطعنامه کارگران را در براف.

علل موفقیت کارگران چه بود؟ از یک طرف ساخت صحیحی از سرمایه دار و حامیان او داشتند و س

• کارگران: اگر شرکت ضرر میکند کارگاه را بدست کارگران بدهید تا کارگران ضرر نکنند!

درست مبارزه کردند. ارحله کوس کردند تا مبارزه دیگر افتاد و مخصوصاً دانشجویان نبودند تا آگاهی و حربه آنها استفاده کنند. از طرف دیگر سرمایه دار درک درسی از شرایط جدید داشت و به همان روشهای گذشته عنی اما حلی رود با درک شرایط به عفت سوسی و آگاهی س داد و مودتانه مستعد نعام کردن کار توسط ۳۰ کارگر را عسوان شرط پرداخت حقوق مطرح کرد. اگر چه حیلۀ جدید سرمایه دار موفتا ساسه های ابرپروزی داشت اما آگاهی کارگران آگاه موجب شد که آنها با منافع انقلابی خاص خود را جواب بدهند: نه با همگی با هم سرکاری رویم با هیچکس و اس اوج همسنگی و اتحاد کارگران بود. حقیقت آنست که سرمایه داران تمام امکاناتی که در اختیارش هست استفاده می کند. بکار بانک بر مذهب (دعوت از روحانی) با درنگر یا تهدید و ارباب (افراد ملحق) و بالاخره با وسایل به حامی خود وزارت کار که تمام فواینس ارتعاسی رویم سابق را بدون کم و زیاد سد می کشد. این مسئله تازه ای است. سرمایه داران برای حفظ منافع نامشروع خود همواره از کلیه امکانات استفاده می کنند. برای توجیه استثمار کارگران، از وزارت کار و فواینس صد کارگری آن بهره می برند و برای بستن اهداف خوش از کلیه ابزار سرکوب کمک می گیرند.

در مقابل: "جابه کارگران وحدت و تشکلات است"

بالاخره نمایندگان وزارت کار بدون نتیجه محل شرکت را ترک کردند. کارگران بناچار تصمیم به تحصن گرفتند و از خروج سرمایه داران نیز جلوگیری کردند و شب را تا صبح همانجا بسر بردند. کارگران وقتی دیدند که عده ای اراکامندان به حمایت از سرمایه دار



روستائیان میگویند:

نمیگذاریم حقمان پایمال شود

شورای دهقانی روستای نوده عطاپای طی اعلامیه ای که در ۱۷ اردیبهشت انتشار دادند خطاب به ملت ساز ایران اعلام داشتند: "زمانی که مردم مبارز ایران به مقابله با رژیم مغز پهلوی پرداختند به همراه تمامی توده های ستمدیده به این قیام شکرهمند پیوستند لیکن بودند کسانی که به نای حق طلبانه خلسه به پاخاسته باخ ندادند و حتی زمانیکه می رفت نظام بوسیده شاه خائن به زباله دانی تاریخ سپرده شود هنوز به استبداد خدمت می کردند و اکنون نیز با کمال تعجب در کمیته ها رخنه کرده و خود رامبارز سربخت و از پیشگامان انقلاب می دانند."

روستائیان پس از شرح مبارزات و تاریخچه روستای خود اضافه می کنند: "... ما هنگام پایشان از انقلاب عدم رضایت خود را به رژیم سابق اعلام کردیم ، زمینی را که سالهای گذشته کشت می کردیم و محصول آن را به سرمایه دار تحویل می دادیم حالا تصرف کرده و سهمی به سرمایه دار نخواهیم داد . در گرما گرم انقلاب از همه طرف به اینکار تشویق می شدیم ولی اکنون بعد از انقلاب و به اصطلاح پیروزی ، کار برعکس شد ، هر روز مثل دوره طاغوت سر و کله ما مورین کمیته و پاسداران انقلاب درده پیدای تودک می گویند زمین مال سرمایه دار است و شرکتی کاذب دوره پهلوی معتبرند . آنها با اینکه به حقانیت ما واقفند با ز

تشکیل شورای دهقانی مشترک

اهالی روستاهای (امجلی) و (سلاخ) گنبد روزهای ۲۸ و ۳۰ اردیبهشت اجتماعاتی برای انتخاب و تعیین اعضای شورای ده ترتیب دادند . بعد از سخنرانی هایی که توسط اعضای کانون فرهنگی ، سیاسی خلسه ترکمن صورت گرفت اهالی به انتخاب اعضای شورای دهقانی روستاهای خود پرداختند و پنج نفر را بعنوان عضو اصلی و دو نفر را به عنوان عضو علی البدل انتخاب کردند . شورا بلافاصله تشکیل جلسه داد و پس از انتخاب سرپرست شورا به بحث روی خواسته ها و نیازهای این دو روستا

حنازه صورت گرفته است . از این ده ۱۳ خانوار بیرون رانده شده اند و از هر خانوار ۵۰۰ تا ۶۰۰ ریال پول گرفته شده است . از یکی از اهالی یک قبضه اسلحه نیز گرفته اند . اهالی این ده در اطراف منطقه آواره اند . ۲- ده تنگروان . اربابان / رضاحنازه حاجی سامی حنازه - طاهر خان حنازه و پسران حنازه در این ده حاجی حنازه بزور از اهالی درخواست اسلحه می کند و چون آنها اسلحه نداشتند مدت ۳ روز بوسیله اربابان در طویل به زندانبندی می شوند . از این ده جمعا ۱۱ خانوار بیرون رانده شده اند که در اردوگاه پشت کشتارگاه بسر می برند . ۳- مینر آباد - ارباب ده کاکو آسماعی است . در این ده بوسیله ارباب از ۲۸ خانوار ۲۵ خانوار بیرون رانده شده و علاوه بر ضبط تمام اموال زندگی آنان از هر خانواده حدود ۴۰۰۰۰ ریال پول گرفته شده است . این افراد هم اکنون در اردوگاه بالو بسر می برند . ۴- ده در بند - ارباب ده طاهر خان حنازه است . که از هر خانواده ۱۰۰۰۰ ریال پول گرفته شده . ۵- ده خوشولان - یکی از اهالی معترض است که یک عدد تفنگ ۳ به همراه ۱۰۰ عدد فشنگ توسط ارباب پس گرفته شده است . سپس وی را خلسه کرده اند و مبلغ ۵۰۰۰ ریال پول که در جیبش بوده برداشته اند . بعد از این ۲۶ روز زندانی کرده شکنجه می کنند به حدی که در اثر ضربات وارده خون ادر او می کند سپس به شرط اینکه این موضوع را به کسی نگوید و آزاد می کنند . زندانی پس از آزادی بعد از ۱۳ روز در بیمارستان دخانیات پذیرفته شد و این شخص گفته است که حاجی سامی صد راس گوسفند و ۱۰۰ فروخته است و بعد ۲۴۰۰۰ ریال پس انداز او را همسرش به زور گرفته است . از این ده جمعا ۷ خانوار بیرون رانده شده اند . ۶- ده پاون - ارباب ده سعید حامدی است که تاکنون ۱۵ خانوار را بیرون کرده است و حدود نیم میلیون تومان از آنها بزور پول گرفته است . اهالی رانده شده این ده هم اکنون در اردوگاه پشت کشتارگاه سکنی گزیده اند . ۷- ده سورجان آباد - ارباب ده نگر ارباب دارد که از ۴۵ خانوار ساکن این ده ۳۰ خانوار بیرون رانده شده اند و علاوه بر غصب زمینهای آنها ۱۰ خانوار هر خانوار ۵۰۰۰ ریال پول گرفته شده اهالی این ده در اردوگاه "بالو" بسر می برند . ۸- ده هاشم آباد - ارباب ده حاجی محمد حاجی وزیر خان حاجی تمام زمینهای اهالی غصب شده و کلیه اهالی از روستا رانده شده اند و در اردوگاه زرمیوه بسر می برند . ۹- ده گورمک - ارباب ده قادر خان است . از ۱۰ خانوار ساکن ده ۴۵ خانوار بیرون رانده شده اند و تمام احشام ده غارت شده و از هر خانوار ۲۰۰۰۰ ریال پول خواسته شده است . رانده شدگان در اردوگاه "سرم" بسر می برند . غیر از روستاهای ذکر شده چندین روستای دیگر هستند که از جنایات زمینداران و فئودالها در امان نمانده اند که ما فقط به ذکر پاره ای از آنها و ذکر مجموع تقریبی خانواده هایی که از این روستاها رانده شده اند می پردازیم . روستاهای پیرانچور - سینا آباد - گنبد - هشتیان - میرآباد - فارس رگه - مین گل - پاون - پردوک - قره آغاج - قصبه - مکه کان - اوچقره - لوزی - درگز - آخبان - گرم بلج - طشت آو - جورنی - لارجان - سه گرگان - قره نسا - و چندین روستای بزرگ و کوچک دیگر که پس از غصب زمینهای آنان تمام اموال و افراد آن که بیش از ۳۰ خانوار و صدها هزارها راس از دامهای آنان بود بوسیله تهاجم اربابان و مزدوران آنان به روستاها به غارت رفت . روستائیان محروم و ستم دیده بارها و بارها مسئولین امور را از این قبیل اعمال وحشیانه زمینداران و سرمایه داران آگاه کرده اند ولی هیچگاه پاسخ روشن و علاج پذیری را دریافت نکرده اند . اکنون پس از قدرت گرفتن روز افزون خائنین در کردستان و ارومیه مردم این منطقه هر آن شاهد تحریکات و تجاوزات متعدد از طرف عوامل مسلح و دارو دسته ی مزدور این جنایتکارانند . تحریکات قیاده موقت و تهاجمات همیشگی این گروه از سرسپردگان وابسته به امپریالیزم در امان تمامی این جنایات است .

خواسته های شورای دهقانی رودبار

شورای دهقانی رودبار دست روستائیان کنسی و ترک کلا طی اجتماعی پس از شرح مختصری از مبارزات مردم و پشتوانه پیروزی آنان که همانا اتحاد و یبوند توده های ستمکش بوده است در قلعنمای خواسته های برحق و قانونی خود را اعلام داشتند . مهمترین خواسته هایشان از این قرار است: ۱- تامین کود شیمیائی مورد نیاز بطور رایگان در اسرع وقت . ۲- تامین سموم گرم ساه خوار

« معرفی يك كارگر مبارز »

در سال ۱۳۲۲ (در شرایطی که یک کارگر ساده با حقوق روزی ۱۷ ریال در دخانیات استخدام می شد) در شرکت دخانیات ایران نخستین اتحادیه کاری تشکیل شد تا توانست مدت زیادی دوام آورد و منحل شد . پس از چندی اتحادیه کاری در دخانیات وابسته به شورای متحده کارگران به وسیله سه تن از فعالین کارگران پایه گذاری شد و فعالیت خود را آغاز کرد . این اتحادیه توانست تا حدودی مبارزات صنفی - اقتصادی



تقی باقری که بود و در رهبری مبارزات سندیکایی چه نقشی داشت؟

تقی باقری در سال ۱۳۹۱ متولد شد او در ایام کودکی پدر و مادر خود را از دست داد و از همان دوران با فقر و رنج آشنا شد . در جوانی در بازار تهران کارگر سیگار پیچ بود و در سال ۱۳۱۶ بعنوان کارگر در شرکت دخانیات استخدام شد . وی در این سالها با اعمال انسانی خود از قبیل کمک به کارگران و زحمتکشان و خانواده های زندانیان سیاسی بعنوان چهره ای خلقی و مردمی بین کارگران شناخته شد . ابتدای فعالیت اجتماعی در حزب حلقه سید ضیا الدین (حزب اراده ملت) بود (ابا حزب توده همانه خوبی نداشت) بعدها کم کم به مبارزات کارگری کشیده شد و در اتحادیه شرکت دخانیات که اکثر اعضا فعال آن از اعضا شورا متحده بودند علاقه شرکت کرد . در این اتحادیه همه افراد ، چه آنان که وابسته به سازمانهای دولتی بودند و چه افراد باقی مانده شورا متحده و چه جناحهای دیگر شرکت داشتند . تقی باقری از سال ۱۳۲۷ الی ۱۳۳۲ بعلمت فعالیت در این اتحادیه دوباره زندان افتاد (یکبار زندان قصر و بار دیگر زندان جزیره خارک) او عقیده داشت که رژیم سلطنتی باید سرنگون شود . در سال ۱۳۳۰ که او با مبارزه به گیرانه کارگران بعنوان نماینده شورای کارگران انتخاب شده بود کارگران دخانیات بار دیگر دست به اعتصاب زدند و تقاضای ۱۵۰ ریال اضافه دستمزد داشتند . وثوق مدیر کل دخانیات در مقابل این خواست به حق کارگران مقاومت می کرد . می خواست تنها ۱۰ ریال اضافه دستمزد به کارگران بدهد . در این هنگام با تحریک پلیس و عمالش بر سر اینکه ۱۰۰ ریال اضافه دستمزد موافقت بشود یانه ، میان کارگران اختلاف افتاد و بالاخره کارگران ۱۰ ریال اضافه دستمزد را قبول نکردند و کار به بقیه در صفحه ۱۱

بسیار خانواده هایی که توسط این فئودالها از خانه و زادگاه خود آواره گردیده اند . چه بسیار جنایات و تجاوزاتی که توسط این فئودالهای ظالم در حق زحمتکشان روستا انجام گرفته است . اغلب این فئودالهای جنایتکار تادیب طرفدار شاه خائن و ساواک و حزب رستاخیز بوده اند . بیرونده بعضی از آنها در زمینه جعل اسکناس ، سابقه قتل ، توطئه برای ربودن معلم ، جاسوسی برای ساواک و بیرون راندن روستائیان از دهات هم اکنون موجود است . در این شرایط تشکیل شوراهای دهقانی برای کشاورزان و خوش نشینان روستاها و زحمتکشان ایلات و عشایر در مقابل دسیسه های فئودالها امری بسیار ضروری است . و در این راه لازم است روستائیان و ایلات و عشایر دست به دست هم بدهند و با پشتیبانی از هم و با انتخاب نمایندگان راستین و وفادار بخود ، اتحادیه ها و شوراهای حقیقی خود را تشکیل دهند و بدینوسیله از منافع و حقوق خود دفاع کنند . طبق اطلاعات محدودی که ما بدست آورده ایم به ذکر پیاره ای از تجاوزات و جنایات اربابان و زمینداران بزرگ وابسته به امپریالیزم در این منطقه می پردازیم . عده ای که در بالا نام بردیم فقط تعداد بسیار محدودی از متجاوزین را تشکیل می دهند که در اطراف ارومیه و کردستان به غصب و غارت اموال و افراد مشغولند . می دانیم که با خطر موقعیت خاص مسئله تاریخی کردستان در این مناطق حتی همان اصلاحات ارضی فرمایشی هم انجام نشده بود تا مالکان و زمینداران بزرگ بتوانند با قدرت تمام پشتوانه ی محکمی برای پیاپی کردن نقشه های توطئه امپریالیستهای در این منطقه حساس باشند اکنون نیز ما شاهد اجرای نقشه های جدیدی از طرف وابستگان امپریالیزم امریکا هستیم . از فئودالها در منطقه گرفته تا مزدورانی نظیر قیاده موقت ، بارزانی ، پالیزیان ، اویسی و ... که در زیر مابه ذکر چند نمونه از این تجاوزات مالکین اشاره می کنیم : ۱- ده استرآباد . ارباب ده حنازه است و غارت ده نیز بدستور حاجی سامی

تشکیل اتحادیه فئودالها برای سرکوب بیشتر دهقانان

اخیرا از طرف دفتر هواداران سازمان در سندنج اعلامیه ای منتشر شده که خبر از توطئه ای جدید می دهد و آن تشکیل اتحادیه فئودالها و اربابان غارتگر در کردستان و ارومیه است . مادر زیر بخشی از این اعلامیه را منتشر می کنیم . در ماهها و هفته های اخیر برترحمین منطقه از جمله فئودالهای بزرگ وروسیا ، عشایر ، برای حفظ موقعیت و منافع خود دست به تلاشهای رسا دی زده اند . مثلا در اواسط فروردین ماه اسامال فئودالهای مرتجع منطقه "سارال دیواندره" در روستای "گومه ای" جلساتی ترتیب دادند و تصمیم گرفتند که در همه مواقع پشتیبان یکدیگر باشند و از منافع نارنگرانه همدیگر دفاع کنند . آنها برای رسیدن به این هدف خود تصمیم گرفتند با تشکیل به اصطلاح "اتحادیه ایلات و عشایر کشاورزی کردستان" تحت عنوان کارخانه و ضمردمی خود را مخفی نگه دارند . به این ترتیب برای افتتاح دفتر اتحادیه ارتجاعی خود در سقز اعلامیه هایی در روزهای دوم و سوم اردیبهشت ماه پخش کردند . اما مردم آگاه و مبارز سقز که هدفهای سو و ضمردمی فئودالها را می دانستند با ابراه انداختن نظا هرات بر علیه گشایش دفتر اتحادیه ضد کشاورزان فئودالهای مرتجع ، اعتراض خود را بیان کردند و مانع از این کار شدند . فئودالها و روسای عشایر که بر اثر مبارزه مردم سقز نتوانستند دفتر اتحادیه خود را در آنجا بزنند به سندنج آمدند و در تاریخ ۲۸/۵۸۸ها آقای مفتی - زاده جلسه ای ترتیب دادند که چگونگی آن هنوز روشن نیست . اخیرا بنیان گذاران اتحادیه به اصطلاح "ایلات و عشایر کشاورزان کردستان" در اعلامیه ای که صادر کرده اند خود را طرفدار زحمتکشان و خوش نشینان نشان داده اند . افرادی مانند عبدالله خان مرادی ، بداله خان مرادی ، یحیی خان امینی عباس خان مظفری ، مجیدخان کلهر حس آقا جوانمردی ، شیخ محمد سعید و دیگر فئودالهای مرتجع که اتحادیه مذکور را به وجود آورده اند ، به هیچ وجه نمی توانند طرفدار زحمتکشان باشند . چه بسیار زمینهای روستائیان که توسط این فئودالها غصب شده است . چه

کلیه بدهی ها و تعهدات مالی کارگران ، دهقانان و زحمتکشان به بانکها و مؤسسات دولتی باید لغو شود

درباره حزب طبقه کارگر

(۷)

اقتصاد سیاسی

«تبدیل پول به سرمایه»

(۲)

داشته و کاری کرده باشد به مقدار پول خود می افزاید. پولی که در حرکت خود اس گردش را توصیف می کند، تبدیل به سرمایه می شود (ک. مارکس. سرمایه ص ۱۶۲) در این فرمول (پول - کالا - پول بیشتر) که فرمول عمومی سرمایه نامیده می شود پول مثبت یا پول بیشتر عبارتست از مبلغ پول بدلی که در پایان معامله افزایش یافته است. یعنی همان چیزی که سرمایه دار از گردش در آوردن پولش می خواهد بدست بیاورد. مثال: ۶۰۰ کیلو روغن راه قیمت ۷۰۰ تومان خرید و ۷۰۰ تومان می فروشم. در این صورت مبادله چنین خواهد شد:

پول ۶۰۰ تومان
کالا ۲ کیلو روغن ۷۰۰ تومان

که در حقیقت ماوی می شود یا ۶۰۰ تومان پول اولیه و ۱۰۰ تومان پول بیشتر.

افزایش پول در پایان مبادله (پول - کالا - پول) حد و مرز ندارد. هر چقدر این مبلغ بیشتر باشد همانقدر برای صاحب رضایت بخش تر خواهد بود. در صورتیکه در مبادله (کالا - پول - کالا) ارزش مصرفی کالا و ارزشی که برای انسانی از نظر کیفی و کمی محدود است. حال سبب مبلغ اضافه شده در پایان معامله از کجا می آید؟

گفتیم که هنگام مبادله کالا اس ارزش مبادله کالا است که مورد معامله قرار می گیرد. عبارت دیگر هر کالایی که مورد مبادله قرار می گیرد دارای مقدار کار متوسط اجتماعی لازم است که در هنگام مبادله با کالای دیگر همان مقدار

کار متوسط اجتماعی لازم را داراست. معامله می شود. پس اگر کالا ها اس ارزش مبادله ای برابر مبادله می شوند این پول بیشتر یعنی پولی که همان ارزش است، از کجا بدست می آید؟

فرض کنید قیمت یک جفت کفش که تهیه آن چهار ساعت کاری برد ۱۰۰۰ ریال است و قیمت ده متر پارچه که همان چهار ساعت کاری همان مقدار کار اجتماعی لازم را احتیاج دارد، ۱۰۰۰ ریال. حال در مبادله کالای یک جفت کفش را با ۱۰۰۰ ریال تعویض می کردیم. سبب ۱۰۰۰ ریال را می دادیم و ده متر پارچه می خریدیم.

هر چقدر این معامله را تکمیل کنیم چیز بیشتری نصیبمان نمی شود. یعنی ده متر پارچه را هم که دوباره بدیم همان یک جفت کفش را می گیریم. بنابراین چطور می شود که در انتهای مبادله (پول - کالا - پول) پول بیشتری بدست می آید؟

اگر مثلا کار متوسط اجتماعی لازم را در دو جفت کفش برابر کار متوسط اجتماعی لازم در یک صندلی باشد، دو طرف معامله هنگام مبادله، ارزش کمتری یا بیشتری بدست نخواهند آورد. با وقتی ارزشهای برابر و مقول مارکس "مبادله معادل" انجام پذیرفت امکان خرید کالا منظور فروش گرانتر هرگز ممکن نخواهد بود. اما همه کس می داند که سرمایه دار همیشه در عملاتی که انجام می دهد، در پایان گردش (پول - کالا - پول) مبلغی بیشتر از آنچه اول وارد معامله کرده کسب می کند.

سرمایه داران و همچنین مدافعین این خود سرمایه است که ارزش بیشتری تولید می کنند و سرمایه داران حق دارند مثلا ده درصد گرانتر از آنچه که خریدند بخرند. سرمایه داران این ده درصد را بقول خودشان "منفعت" یا "سود" می نامند و حق قانونی خود می دانند. در صورتیکه این همان "ارزش اضافه" است. یعنی همان شمره کار کارگران که آنها می دزدند.

ممکن است گفته شود که عده ای از صاحبان کالا و نه تمام آنان خواهند توانست کالاهای خود را گرانتر از ارزش واقعی آنها بفروشند. اما این چنین کاری بقیه در صفحه ۱۱

قبل از پرداختن به مسئله ارزش اضافی لازم است رابطه پول و کالا را مورد بررسی بیشتری قرار دهیم. همانطور که قبلا گفتیم مبادله کالاها ابتدا بصورت مستقیم صورت می گرفت. یعنی (کالا - کالا) مثلا دو جفت کفش با یک کیسه گندم مبادله می شد. بعد از پیدایش پول این مبادله بصورت (کالا - پول - کالا) تکامل یافت. و همچنین دیدیم که اگر رابطه (کالا - پول - کالا) بعد از (کالا - پول) قطع شود در این صورت فروشنده کالا بعد از فروش کالا پول در دست دارد که با آن می تواند کالای مورد نیازش را خریداری نماید. اما پولی که در دست دارد می تواند برابر ارزش پولش کالا را با کالاهای خرید کند. عبارت دیگر پول به مثابه وسیله گردش است. بنابراین با ذخیره کردن پول یعنی انداختن ارزش هرگز نمی توان ارزش بیشتری تولید کرد.

از طرف دیگر گفتیم که ذخیره کردن پول یا عبارت دیگر تصاحب ارزش در خارج از حرکت خرید و فروش انجام می گیرد. پس در خارج از حرکت مبادله امکان اینکه از پول، پول بیشتری بدست آید وجود ندارد و باید آن را در درون خود جریان مبادله جستجو کرد.

هنگامیکه فروشنده کالا را با پول مبادله می کند بدین معناست که کالای تولید شده برای او ارزش مصرفی ندارد و مبادله با پول بدین منظور صورت می گیرد که آن (پول) کالایی که ارزش مصرفی معینی دارد، خریداری نماید. مثلا نجار یک صندلی را می فروشد و ۱۰۰۰ ریال دریافت می کند تا با آن ۲ کیلو برنج یک کیلو روغن، یک کیلو نخود و لوبیای و یک کارد آشپزخانه خریداری کند. پس ترتیب می بینیم که در ابتدا و انتهای رابطه (کالا - پول - کالا) ارزشهای مصرفی قرار دارند.

حالا اگر کسی با پولی که ذخیره کرده است کالایی خریداری نماید که بعد از آنرا به فروش رساند (پول - کالا) و سپس (کالا - پول) رابطه زیر بدست می آید: پول - کالا - پول. بطوریکه ملاحظه می کنیم در رابطه اخیر ابتدا و انتهای پول قرار دارد که نه کالایی است با ارزش مصرفی و نه ارزشی در پایان مبادله به آن افزوده شده است. مثال:

شخصی ۱۰۰ کیلو گندم می خرد. به قیمت ۱۲۰ تومان و بعد همان گندم را به قیمت ۱۲۰ تومان می فروشد (پول - کالا - پول) ملاحظه می کنیم که در ابتدا و انتهای مبادله پول قرار داشته است و همچنین مقدار گندمی که مبادله شده ثابت مانده است. از مقایسه گردش (کالا - پول - کالا) و (پول - کالا - پول) نتیجه می شود که این دو رابطه دو نقطه مشترک دارند:

۱- هر دو از خرید و فروش تشکیل می شوند. ۲- در مبادله کالا - پول و همچنین پول - کالا ارزشهای برابر مبادله می گردند. اما در این رابطه دو تفاوت هم وجود دارد: ۱- در گردش (کالا - پول - کالا) در ابتدا و انتهای آن ارزشهای مصرفی قرار دارند و به همین دلیل هدف مبادله کالاهای مصرفی مورد نیاز انسان است. ۲- در گردش (پول - کالا - پول) در ابتدا و انتهای آن پول وجود دارد و هدف از معامله نه تنها ارزشهای مصرفی نبوده بلکه برعکس خود ارزش مبادله است.

از مطالب بالا این نتیجه حاصل می شود که در رابطه (پول - کالا - پول) هدف بدست آوردن ارزش مبادله است. بنابراین شخصی که در ابتدا مبلغ معینی پول دارد و وارد معامله می شود اگر در پایان معامله نیز همان مقدار پول را بدست آورد، کاری بی معنی کرده است. پس هدف گردش پول - کالا - پول، کسب پول بیشتری در پایان این گردش است. عبارت دیگر هدف (پول - کالا - پول) نبوده بلکه (پول - کالا - پول بیشتر) خواهد بود. ساده تر بگویم سرمایه دار از این راه بدون اینکه در تولید شرکت

است بر اساس خواست های صنعتی - سیاسی هر قشری تشکیل می شود و وسیع ترین توده های قشر را در خود متشکل می کند و زمینه ارتقاء آگاهی سیاسی اعضا خود را هر چه بیشتر به وجود می آورد.

شرکت مارکسیست - لنینیست ها

● مستقل بودن تشکیلات سیاسی طبقه کارگر جنبش توده ای را تقویت میکند و به پیش میراند

در این قبیل تشکیلات ها سازماندهی آنها و بالا بردن سطح خواستهای صنعتی - سیاسی آنان امری است ضروری و این عمل زمینه را برای جلب اعتماد اقشار زحمتکش ایجاد می کند و راه پدید بر رهبری طبقه کارگر و حزب پیشاهنگش را برای توده های وسیع زحمتکش هموار خواهد کرد.

در جریان عمل ورهبری عملی

مبارزات توده های زحمتکش توسط حزب طبقه کارگر است که رهبری طبقه کارگر بر جنبش عمومی ستکشان تأمین خواهد شد. البته این امر بمعنی مخدوش کردن عظمی و رهبری طبقه کارگر و در هم آمیختن تشکیلات مستقل کارگران و سازمان سیاسی مستقل وی با سایر تشکیلات زحمتکش نیست و همواره مارکسیست - لنینیست ها بر تشکیلات مستقل طبقه کارگر و حزب (با سازمان) مستقل سیاسی آن تأکید دارند و همیشه این گفته لنین را سرلوحه فعالیت های خود قرار می دهند که کمیونیتها باید تشکیلات مستقل خود را داشته باشند و همین مستقل بودن تشکیلات آنان جنبش توده ای را تقویت می کند و پیش می راند. بنابراین مارکسیست -

● تنها حرف زدن درباره پیشرو بودن طبقه کارگر کافی نیست اینرا در عمل نیز باید به سایر زحمتکشان نشان داد

لنینیست ها ضمن اینکه در شکل هائیکه در برگیرنده توده های وسیع زحمتکش باشد شرکت می کنند، تشکیلات مستقل خویش را نیز حفظ می کنند.

سازماندهی و متشکل کردن سایر زحمتکشان وظایفی است که نباید در آن اهمال کرد. اما امروز متأسفانه برخی نیروها (کنفرانس چی ها) به این اصل اساسی لنینیسم توجهی ندارند و هیچ تلاش و کوششی در جهت متشکل کردن مبارزات سایر زحمتکشان بکار نمی برند و وظیفه مارکسیست - لنینیست ها را تنها به کار در بین طبقه کارگر محدود می کنند و این رهنمود لنین را نادیده می گیرند که:

" قصد ما بر آنست که نیروهای زحمتکش را درست برعکس برای تقویت و گسترش جنبش مجبور هستیم که (اگر اصطلاح زمینداران و سرمایه دارها را بکار ببریم) "پائین ترین" بخش (یا عبارت صحیح تر طبقه) جامعه را برانگیزانیم."

تنها حرف زدن درباره پیشرو بودن سازمانها که در برگیرنده توده های وسیع

ساخت طبقاتی شان دارای منافع طبقاتی یکسانی نیستند. طبقه کارگر را یک دیوار چین از سایر طبقات جدا نکرده است. بسیاری از کارگران از ده به شهر آمده اند و حتی برخی از آنها، خانواده هایشان هنوز در ده زندگی می کنند و بسیاری از کسان و خویشان آنها در ده هستند. این

کارگران همبستگی بسیار زیادی با روستائیان دارند و با بسیاری از کارگران با زحمتکشان شهری و اصناف و غیره پیوندهای نزدیکی دارند. توسط همین کارگرانی که پیشرو آگاه باشند نه تنها

● طبقه کارگر پیشروترین و انقلابی ترین طبقه است ولی تنها نیروی انقلابی در جامعه نیست

آگاهی سوسیالیستی را میتوان بمیان کارگران برد، بلکه همچنین می توان با اشاعه آگاهی سیاسی در میان سایر زحمتکشان آنها را به طرفداری از دیکتاتوری واقعی (دیکتاسی پرولتاریائی) و حتی سوسیالیزم کشاند و بدینوسیله نفوذ طبقه کارگر و حزب پیشاهنگ آنها در میان وسیعترین توده های زحمتکش شهر و ده بسط و توسعه داد. می توان اعتماد آنها را به طبقه کارگر و حزب آن جلب کرد تا بدین طریق رهبری طبقه کارگر در جنبش توده ای تأمین شود. این ساله مهمی است که نه تنها در فعالیت تبلیغی و ترویجی ما، بلکه در فعالیت های عملی ما باید مورد توجه قرار بگیرد و بسته به توان و انرژی و موقعیت های مختلف بایستی

● در جهت متشکل کردن مبارزات سایر زحمتکشان کوشش کرد. رها کردن توده های وسیع و بی سازمان گذاردن آنان و متشکل نکردن مبارزاتشان بمعنی رها کردن آنان در زیر بال بورژوازی است. بایستی آن

در جهت متشکل کردن مبارزات سایر زحمتکشان کوشش کرد. رها کردن توده های وسیع و بی سازمان گذاردن آنان و متشکل نکردن مبارزاتشان بمعنی رها کردن آنان در زیر بال بورژوازی است. بایستی آن

● رها کردن توده های وسیع و متشکل نکردن مبارزاتشان بمعنی رها کردن آنها در زیر بال بورژوازی است

چنان سازمانهای توده ای ایجاد شود که بتواند وسیع ترین توده های زحمتکش را در خود متشکل کند و پراکندگی در صفوف آنان را به مبارزه متشکل آنان بر علیه تسلط و فشارهای امپریالیزم و سرمایه های وابسته تبدیل کند. این قبیل سازمانها، شوراهای دهقانی، اتحادیه های دهقانی، شوراهای مختلف، شوراهای اتحادیه های صنف های مختلف، اتحادیه و شوراهای معلمین، کانون های مختلف، اتحادیه ها و شوراهای اقشار مختلف زحمتکشان و نظائر آنهاست که بسته به موقعیت مشخص و شرایط معین باید ایجاد شود. این

سازمانها که در برگیرنده توده های وسیع

در شماره های گذشته درباره شکل های توده ای کارگران صحبت کردیم و گفتیم که متشکل کردن کارگران تنها با ایجاد حزب طبقه کارگر ممکن نیست و در کنار حزب و در پیوند با آن سازمانهایی که در برگیرنده توده های وسیع کارگران باشد، باید ایجاد شود.

در این شماره می خواهیم درباره سازمانها و شکل هائی که توده های وسیع غیر کارگر را متشکل می کنند صحبت کنیم. طبقه کارگر پیشروترین و انقلابی - ترس طبقه است. ولی تنها نیروی انقلابی در جامعه نیست. میلیونها توده زحمتکش که همه تحت تسلط امپریالیسم و بورژوازی وابسته قرار

● در این شماره می خواهیم درباره سازمانها و شکل هائی که توده های وسیع غیر کارگر را متشکل می کنند صحبت کنیم.

دارند، به همراه طبقه کارگر در انقلاب دمکراتیک شرکت خواهند کرد. این نیروی عظیم، متحد طبقه کارگر در انقلاب است. حزب طبقه کارگر اگر نتواند این نیروی عظیم را متحد و متشکل سازد و رهبری کند، انقلاب به پیروزی نخواهد رسد. طبقه کارگر به تنهایی نمی تواند انقلاب کند، نیروی اوبه تنهایی کافی نیست و مجبور است برای پیروزی انقلاب با سایر اقشار تحت تسلط متحد شود. از اینرو مارکسیست - لنینیست ها گرچه اساسا نیروی خود را در جهت متشکل کردن و آگاهانه نمودن مبارزات طبقاتی کارگران قرار می دهند ولی در مبارزات سایر زحمتکشان نیز شرکت می کنند و برای متشکل کردن مبارزات آنان می کوشند. لنس درباره فعالیت در میان سایر اقشار و طبقات زحمتکش می نویسد:

"آپا برای فعالیت در میان تمام طبقات مردم، زمین وجود دارد؟"

و جواب می دهد:

"کسیکه این را نمی بیند، در اینجا بازم سطح آگاهی از جنبش خود بخودی توده ها عقب است."

و ادامه می دهد:

● لازم به تذکر نیست که تمام توده چندین میلیونی دهقانان زحمتکش پیشه وران، صنعتگران خرده پا و غیره نیز همیشه با ذوق و شوق به تبلیغات یک نفر سوسیال دمکرات کم و بیش ماهر، گویش خواهند داد.

همه اقشار و طبقات زحمتکش خلق، تحت تسلط و استثمار امپریالیزم و بورژوازی وابسته قرار دارند، اگرچه ممکن است به اشکال متفاوتی استثمار شوند. آنها همه در نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و قطع نفوذ امپریالیزم دارای منافعی مشترک و خواست مشترکی هستند. هر چند بنا به موقعیت اقتصادی - اجتماعی و

بدون مجلس مؤسسان حقوق مردم ایران پایمال میشود

مجلس موسسان به حصرنوشته‌ی دچار شده است؟ مجلسی که هدفش ایرانی می‌خواهد نتیجه جنش خونین خلق رادرقانونی که در آن به تصویب می‌رسد، منعکس بیند. بنابراین شکل مجلس موسسان یک حادثه بزرگ در زندگی مردم ماست و با وجود اهمیت جنس مجلسی در سرنوشت مردم ما، هیچکس نمی‌داند که چه بر سر مجلس موسسان خواهد آمد و مقامات مسئول در قبال آن چه می‌گویند؟

• قول قطعی

از مدت‌ها قبل از پیروزی قیام شکوهمند مردم، همسته و فسی صحبت از تدوین قانون اساسی جدید می‌شد هیچ‌کس شک نداشت که تهیه و تنظیم آن فقط در صلاحیت یک مجلس موسسان است. مجلسی که نمایندگان منتخب مردم را از هر شهروهر ناحیه و از میان افسار و طبقات مختلف گرد آورده و در محیطی دمکراتیک سدهمهم را مورد بررسی کامل و موسکافانه قرار دهد و قانون اساسی مرفی و انقلابی ای که با محتوی و مضمون انقلاب ضدامبرالیستی و ضد دیکتاتوری مردم ایران هماهنگی داشته باشد تنظیم و تصویب کند.

پس از قیام هم بارها و بارها توسط مقامات مختلف این امر تصریح شد. در تاریخ ۱۶ اردیبهشت اسرانتظام سخنگوی دولت در مصاحبه مطبوعاتی چنین گفت:

"باید یاد آور شویم که آنچه تهیه شده و منتشر خواهد شد تنها پیش نویس قانون اساسی ماست و هنگامی اعتبار سدهامی کند که از سوی نمایندگان مردم در مجلس موسسان بررسی و تکمیل و تصویب شود... مردم باید سعی کنند نمایندگان واقعی خود را به مجلس موسسان بفرستند تا خواسته‌هایشان در این قانون اساسی مورد نظر قرار گیرد."

(پیغام امروز ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۸)
مهندس سحابی معاون نخست وزیر در طرحهای انقلاب نیز در مصاحبه مطبوعاتی که در تلوویزیون در برابر ۳۵ میلیون نفر بعمل آورد صراحتاً اظهار داشت که پیش نویس قانون اساسی پس از آنکه از طرف دولت تنظیم شد ابتدائاً در مطبوعات منتشر می‌شود که مردم و اهمل فن نظر خودشان را بدهند. پس از آن دولت مجدداً با توجه به نظرات مردم تغییراتی در آن خواهد داد و سپس این طرح در مجلس موسسانی که منتخب مردم خواهد بود مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس به تصویب نمایندگان مجلس موسسان خواهد رسید. مهندس سحابی در مورد مجلس موسسان بطور روشن اظهار داشت:

قانون مجلس موسسان مستعمل بر ۶۰ ماده توسط دولت تنظیم شده و به

شورای انقلاب داده شده که پس از تصویب، انتخابات بر طبق آن انجام شود.

با این بیان روشن سخنگویان دولت دیگر هیچکس شکی نداشت که قانون اساسی در مجلس موسسان که ایجاد کننده قانون مادر است مورد بررسی قرار گرفته و به تصویب خواهد رسید. چه بسا که طرح پیشنهادی دولت تماماً رد شود و طرح بهتری به تصویب نمایندگان مردم برسد. زیرا این نمایندگان مجلس موسسان هستند که باید قانون اساسی را تدوین کنند. اما هنوز مدتی از این مصاحبه‌ها و اعلام نظر دولت نگذشته است که سخن دیگری شنیده می‌شود. دکتر مفتاح و نطب زاده رسماً اعلام می‌کنند که مجلس موسسان تشکیل نخواهد شد و تنها به تشکیل جلسه مشورتی اکتفا خواهد شد و سپس متنی که به اینصورت تنظیم شد به فرزندم گذاشته خواهد شد. یعنی باز مردم را در مقابل آری بانه قرار خواهند داد و از آری قالبی مردم ناآگاه سوء استفاده خواهند کرد. اکنون مردم حق دارند از مقامات مسئول سؤال کنند که این همه حرف که درباره مجلس موسسان زده شد، کجاست؟ مصاحبه‌های امیر - انتظام و مهندس سحابی یعنی نمایندگان دولت چه بوده است؟ مگر اینها از طرف هیئت وزراء این حرفها را زده اند؟ سخنگوی دولت چه معنی دارد؟ قانون مردم از خود می‌پرستند آخر این مملکت دارد به کجای رود؟

• تصمیمات ناگهانی

آقای مهندس سحابی و امیرانتظام چگونه می‌توانید توی روی مردم نگاه کنید؟ شاید بگوئید مایه تقصیریم. در اینصورت چه کسی مقصر است؟ چرا حقایق را برای مردم روشن نمی‌کنید؟ باور کنید که تاکنون در کشور ما هیچ دولتی این اندازه بی اختیار نبوده است. حتی اکنون هم که این موضوع را اعلام می‌کنید هیچکس بر مردم توضیح نداده است که چرا مجلس موسسان تشکیل نمی‌شود. بگردیم از اینکه آقای قطب زاده این "مجلس مشورتی" را یک ابتکار انقلابی؟! نامیده‌اند! سؤال می‌شود اگر تشکیل یک مجلس مشورتی برای تدوین قانون اساسی کافی بود پس چرا قانون بر سرای مجلس موسسان تنظیم گردید؟

اما مجلس مشورتی! این مجلس مشورتی چه صیغه ایست؟ این مشاورین را چه کسی انتخاب می‌کند؟ اینطور که رسماً گفته شده مردم آنها را انتخاب نخواهند کرد. پس این اشخاصی که مشاورین را انتخاب خواهند کرد چه کسانی هستند؟ همایش ابهام. همه اش بی خبر گذاشتن مردم و ناگهان تصمیمی را اعلام کردن و مردم را در مقابل عمل انجام شده قرار دادن. آنها در مورد مسئله ای به

این اهمیت یعنی قانون اساسی که مادر همه قوانین است و سایر قوانین بر اساس آن تنظیم می‌شود.

متأسفانه این نحوه عمل مشابه شیوه‌های سابق است که مردم ایران، مهر باطله به آن زده‌اند و انتظار ندارند این روش‌ها بار دیگر تکرار شوند. مردم ایران می‌خواهند که قانون اساسی این مهمترین قانون کشورشان در محیطی دمکراتیک، در مجلس منتخب مردم مورد بررسی قرار گیرد و به تصویب برسد. در هیچ کجای دنیا تنظیم قانون اساسی به "مجلس مشورتی" و اگذار نشده است. این "مجلس مشورتی" اگر هر نامی بر آن نهاده شود، حتی اگر تحت نام "مجلس موسسان" تشکیل شود از نظر مردم ایران مردود است. مجلس موسسان باید از نمایندگان همه شهرها و مناطق ایران که از طریق انتخابات آزاد و مستقیم توسط مردم و به نسبت معقول (مثلاً هر ۵۰ هزار نفر یک نماینده) انتخاب خواهند شد، تشکیل شود. همچنین قبل از انجام انتخابات مجلس موسسان ضروری است که آزادیهای دمکراتیک برای کلیه احزاب و گروهها و افراد نامی و تضمین شود. علاوه بر اینها لازمه انتخاب صحیح مجلس موسسان ایجاد شرایطی است که آزادی کامل مطبوعات و انتشارات تضمین شود و احزاب و گروهها بتوانند از وسائل ارتباط جمعی (رادیتو، تلویزیون) برای تبلیغات سیاسی و بیان نظرشان نظراتشان استفاده کنند.

• مردم مبارز ایران!

مادر این لحظه تاریخی هشدار می‌دهیم که کوششهای انحصارطلبانه‌ی در جریان است ناسندی سراپا اشکال که هیچگونه هماهنگی با محتوای ضدامپریالیستی و دمکراتیک انقلاب ما ندارد، بنام قانون اساسی به ماتحمل کنند. همانطور که ما قبلاً نوشتیم از هم اکنون بیدار است که طرح رسمی قانون اساسی که به فرزندم گذاشته خواهد شد چیزی بهتر از "طرح پیشنهادی" منتشره در کمیته‌های نخواهد بود. قانون اساسی ای که بجای تامین حقوق واقعی مردم ایران گامی به قهقرا برداشته و فاتحه آزادیهای دمکراتیک مردم ایران را خواهد خواند. قانونی که بطور رسمی ما را در موقعیت قبل از مشروطه قرار خواهد داد. بنابراین بر ماست که با تمام قوا برای خنثی کردن کوششهای ضد دمکراتیک و دفاع از دستاوردهای انقلاب به پا خیزیم. باید مسئولین امر را وادار کنیم که مجلس موسسان واقعی را بر شرحی که گذشت تشکیل دهند تا نمایندگان منتخب مردم بتوانند یک قانون اساسی مترقی که با مضمون انقلاب ضدامپریالیستی و دمکراتیک سازگار است در تطابق باشد تدوین و تصویب کنند.

بقیه از صفحه ۱۲

متن می‌گوید: "افراد ملت اعم از زن و مرد از لحاظ آزادی و حیثیت و حقوق اجتماعی مشروع، در برابر قانون مساوی هستند. برای مردم این سؤال مطرح است که منظور از واژه مبهم "مشروع" چیست؟ آیا مفهوم عام آن یعنی "قانونی" مورد نظر است یا مفهوم خاص آن یعنی "شرعی"؟ اگر منظور از کلمه "مشروع"

لفظ "قانونی" باشد این اصل را چنین باید خواند: "افراد ملت ایران اعم از زن و مرد از لحاظ آزادی و حیثیت و حقوق اجتماعی "قانونی" در مقابل قانون مساوی هستند." بروشنی پیداست که کلمه قانونی در این اصل زائد است پس بدون شک نویسند "متن پیشنهادی" از آوردن کلمه "مشروع" مفهوم "شرعی" آن را در نظر داشته است. اگر کلمه مشروع در اصل وجود نمی‌داشت برای اصل ایران اردی وارد نبود. تردیدی نیست که قوانین باید صریح و خالی از ابهام باشند تا مردم بتوانند موقعیت خود را در قبال آن ارزیابی کنند. ولی می‌بینیم که وارد شدن یک واژه ناچهار در یک اصل درست، چه ابهاماتی ایجاد کرده و در نتیجه اشکالات فراوانی برای مردم بوجود خواهد آورد.

قادر است روی هر مقاله هر کتاب و هر اسرار عقیده انگشت بگذارد و با نیست دادن آنها به یکی از این شروط آنها را مشمول سانسور و ممیزی قرار دهد. بنابراین ملاحظه می‌شود که اجرای چنین اصلی همچنان شرایطی را به وجود خواهد آورد که سانسور و خفقان و سرکوبی سراسر و حشتناک، تزلزل در دوران آریامبری ایجاد شود.

ابهام رایگان بودن آموزش

برخلاف ادعای اصل "طرح پیشنهادی" که از آموزش و پرورش رایگان و همگانی نام می‌برد "تخصیصات ابتدائی" را بعنوان یک "فریضه" تلقی می‌کند، ابهامات و نقائص این ماده علاً طبقه اطمینان بخشی بر ای آموزش مجانی و همگانی ارائه نداده است. ماده ۳۰ طرح پیشنهادی "چنین می‌گوید:

"همه مردم حق دارند از آموزش و پرورش رایگان و همگانی بهره‌مند شوند... تخصیصات ابتدائی فریضه است و دولت وظیفه دارد اسائل اجرائی این تکلیف ملی را در سراسر کشور فراهم آورد."

این ماده از لحاظ اینکه آموزش و پرورش تاجه سطحی رایگان و همگانی است مبهم است و در مورد تخصیصات

قانون اساسی باید حافظ دستاوردهای انقلاب باشد (۲)

حرفه‌ای که در دوران ما از اهمیت خاصی برخوردار است سکوت کرده است. در مورد تخصیصات اجباری ناکافی است و از لحاظ برخورد به نحوه اداره آموزش و پرورش نامشخص است. بنابراین در قانون اساسی جدید در اینباره لازم است نکات زیر رعایت شود:

۱- باید تصریح شود که آموزش و پرورش از کودگستان تا دانشگاه رایگان و همگانی است.

۲- دولت باید مراقبت کند که حق مساوی دسترسی به تعلیم و تربیت در سراسر کشور و آموزشهای حرفه‌ای برای همگان تامین شود.

۳- تحصیلات پایه‌ای تا پایان دوره راهنمایی برای همگان در شهر و روستا، اجباری است. دولت مکلف است امکانات دسترسی همگان را به آن، بطریق مختلف و با توجه به شرایط مکانی و اقلیمی بر طبق قوانین مناسب، فراهم کند.

۴- کلیه موسسات آموزش و پرورش از کودگستان تا مدارس عالی باید دولتی شوند و امر آموزش و پرورش در تمام سطوح در اختیار دولت یا مناطق خود مختار روستایی ایالتی باشد.

مجوز تجاوز به حقوق انسانی

برخلاف اصل ۴۲ "متن پیشنهادی" که یکی از بهترین اصول آنست، تصریح شده است که به این ماده اضافه شده است علاً حقی را که این اصل تضمین کرده یعنی کسب و اشکالات جدیدی پدید آورده است. اصل ۴۲ تصریح می‌کند: "اعمال شکنجه بدنی یا روانی مطلقاً و هر عنوان و لوی بعنوان مجازات یا وسیله بازجویی و ارباب، ممنوع است. اجبار اشخاص به شهادت دادن یا اقرار یا ادای سوگند در هیچ صورت مجاز نیست و اعتبار ندارد. مجازات تخلف از این اصل را قانون معین می‌کند."

ماده خارج است "متن اصلی ماده فوق بسیار خوب و کامل است ولی در مورد تصریح آن باید گفت که این تصریح بطور مشخص مفایر است نوبن تکامل اجتماعی - فرهنگی و انسانی انقلاب دمکراتیک مردم ماست، که قانون اساسی باید بسانگر آن باشد. از لحاظ عملی نیز این تصریح مجوز خطرناکی برای سوءاستفاده و تجاوز بحقوق انسانی است.

در شماره آینده به ذکر مواردی خواهیم پرداخت که با توجه به مضمون ضد امپریالیستی، ضد سرمایه داری وابسته و ضد دیکتاتوری انقلاب ایران و با توجه به نقش قاطع زحمتکشان در پیروزی این انقلاب می‌بایست در قانون اساسی جدید ایران ذکر شود ولی در "متن پیشنهادی" به فراموشی سپرده شده است.

اصل هشتم متمم قانون اساسی سابق که در ۷۵ سال پیش بوجود آمد اصلی است مترقی و بر اصل "متن پیشنهادی" کاملاً برتری دارد. این اصل اعلام می‌دارد: "اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی مساوی الحقوق خواهند بود."

۱- اصل ۳ قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان اعلام می‌کند:

۲- مردان و زنان حقوق مساوی دارند.

۳- هیچکس را بخاطر جنس، پدر و مادر، نژاد، زبان، محل اصلی تولد، ایمان یا عقاید مذهبی و سیاسی نمی‌توان مورد رفتار نابرابر قرار داد.

قانون اساسی کشور مسلمان الجزایر نیز در موارد مختلف، مساوی حقوق افراد خلق صرف نظر از جنس، نژاد، مذهب، حرفه و عقیده سیاسی - اجتماعی را می‌شمارد و هیچ شرطی جز تابعیت الجزایر را ملاک نمی‌داند. از جمله در اصل ۳۹ قانون مزبور آمده است که:

"کلیه شهروندان (یعنی اتباع الجزایر) از نظر حقوق و تکالیف، مساوی اند."

و با اصل ۴۰ که اعلام می‌کند: "قانون چه در حمایت، چه در ایجاد تکلیف و چه در مجازات برای همگان یکسان است."

بنظر ما در قانون اساسی جدید برای اینکه مردم ایران بطور واقعی دارای حقوق سیاسی و اجتماعی مساوی باشند، باید تصریح شود که مردم ایران اعم از زن و مرد از لحاظ آزادی و حیثیت و حقوق اجتماعی در برابر قانون مساوی هستند.

احتمال سانسور و خفقان

برخلاف ادعای اصل ۳۰ "متن پیشنهادی" قانون اساسی "آزادی واقعی" مطبوعات و نشر و بیان عقیده وجود ندارد. اصل ۳۰ می‌گوید:

"مطبوعات و نشر و بیان عقیده جز در مواردی که خلاف عفت عمومی و اخلاق اسلامی و خلاف احکام واضح اسلام و هجو و اهانت به اشخاص و نشر اکاذیب و کتب ضلال باشد آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است..."

اصل بیستم قانون اساسی سابق که یک سوم شروط و شروط محدودیت های این اصل را نداشت آن همه سانسور و خفقان و سرکوب برای "مطبوعات و نشر و بیان عقیده" بوجود آورد که همه شاهدش بودیم و الا با این همه شروط اصل ۳۰، کدام مقاله روزنامه، کدام کتاب و کدام ابراز عقیده هست که نتوانند آن را به یک از این شروط نسبت دهند. در واقع اگر کسی خواهد از این ماده سوء استفاده کند

آقای فروهر به هزینه زندگی نگاه کنید

نشریه محترم کار طبق قانون مطبوعات (تعجب ندارد وقتی می گویند طبق قانون کار، من چرا نگویم قانون مطبوعات) آنرا بدو سانسور چاپ کنید.

سوال از جناب آقای فروهر روزی محترم کس... آیا پایه حقوق کارگر ساده بر مبنای هزینه زندگی محاسبه شده است؟ آقای فروهر! از اول بهمن ماه سال ۵۷ بیکار شدم. اهمیت ندادم، زیرا امیدوار بودم. زیرا موظف بودم به ترک کار و اعتصاب به نفع انقلاب طبقه مظلوم. زیرا حسی می کردم تنها اسلحه ای که در دست دارم این است که کار نکنم تا خود ضربه ای هر چند ناچیز بر سرگان زنجیری و خون-آشام امیرالیزم در ایران باشد. بارها وسط خیابانها لاستیک آتش زدم، بارها با هجوم ارتش ضد خلقی زخمی هارا کول کردم. بارها با مشتهای گره کرده از جلوی تانکها، زره پوشها، کلانتری ها شعار دادم (مرگ بر شاه) (درود بر خمینی) و (درود بر فدائی، سلام بر مجاهد) و هزاران شعار دیگر که حتی بعضی وقتها خودم معنی آنها را هم نمی دانستم ولی می دانستم به نفع انقلاب است و با صدای راستکاری می کردم.

در جریان بیکاری، بی پولی فشار آورد فرشم را فروختم. باز فشار آورد، تلویزیون را هم فروختم و بازم فشار آورد و دیگر چیزی نداشتم که بفروشم. و این هم حداقل هزینه زندگی ماهیانه من وزم.

شرایط مشقت بار زندگی يك کارگر ساده

بخارج فرستاد. بروکه بدکتر هاتلفس می کنیم رسیدگی کنند " همین پس. اکنون ۴۰ روز است که من و مادرش در تهران بلا تکلیف و سرگردان هستیم. در تهران در بیمارستان شرکت نفت بستریست هر روز که می گذرد سرطان بیشتر ریشه می دواند و ششمن کوچک و فشنمگ رابه کام مرگ می کشد. راستی نکنند که شرکت نفت بودجه ندارد که فرزند یک کارگر خود را برای معالجه به خارج بفرستد! آهانوز هم در این مملکت هیچ چیز بی ارزش تر از جان آدمی نیست؟ راستی که فلسف این مدعیان انقلاب هم سنگ است و کارگر بی پناه تر از همه است. براسی هیچ چیزی به ما رسانی نشده جز اینکه بعلت مذلت و بدبختی خانواده هایمان از هم بیایند و خاموش و مطیع در گوشه ای در غم بی پناهی بمریمیم.

امروزه عمال و سرسیردگان رژیم سابق را بعنوان مفسدین فی الارض اعدا می کنند، درود به دادگاههای انقلاب و دستشان میریزد. اس آرزوی دیرینه تمام کارگران و زحمتکشان است که حق غاصبین حقوق مردم مارا کف دستشان بگذارند. ولی از طرف دیگر دلم می خواهد به این سوال من هم جواب داده شود که آیا کسانیکه من و امثال مرا به جنس زندگی در مانده و نکبت باری دچار می سازند از مفسدین فی الارض چه کم دارند؟

در خاتمه از بزرگانانی که هنوز قلبشان برای هوموطن زحمتکش می تپد استمداد می طلبم که دخترم کوچکم را در بخش ۶ تخت ۲۲ بیمارستان شرکت نفت تهران ماهانه کامل نموده و اگر وسایل و امکانات کافی برای معالجه طفلک عزیزم وجود ندارد امکان اعزام وی را برای معالجه فطعی به خارج فراهم کنند، باسعد که پدری رنج کشیده را زغم و اندوهی همیشگی برهاند.

باتقدیم احترام بحسن کاطمی جهرمی

این نامه یک کارگر بر سابقه صنعت نفت ایران است. نامه ای که حکایت از درد و رنج کارگری دارد که تازه نسبت به سایر کارگران ایران از وضعیت بهتری هم برخوردار است. پس می بینیم که در واقع فقط درد خودش نیست، مصیبتی است که تمام کارگران و زحمتکشان جامعه ما با آن روبرو هستند و گوئی همچنان باید با این مصیبت هاروبرو باشند. شرایط نامناسب کار همراه با وضعیت اسفناک درمانی و بهداشتی کارخانه ها، زندگی همه آنها و خانواده هایشان را در معرض خطر قرار داده است. در رژیم گذشته که دیکتاتوری اجازه نمی داد حتی نامی هم از حقوق طبقه کارگر به میان بیاید. حالاهم که بقول معروف انقلاب شده است می بینیم دولت نه تنها طرحی برای بهبود وضعیت زندگی و بهداشت کارگران ندارد، بلکه هرگونه اعتراض حق طلبانه آنها را اخلاکری تلقی کرده و به اتهام ضد انقلابی بودن مهر تکفیر بر پیشانیان می زند.

خواهش می کنم صدای حق طلبانه یک کارگر خسته از بار کمر شکن این دنیای رنج کار را بگوش مردم شرافتمند ایران برسانید. باشد که توجه مسئولین امر را برانگیزد و چنین سرنوشت تلخی هرگز در آینده برای هوموطن تکرار نشود.

اینجناب حسین کاطمی جهرمی ۳۷ سالست که بعنوان یک کارگر ساده با شماره ۱۱۹۵۵۴ در قسمت حمل و نقل پالایشگاه کاری کنم. کار طاقت فرسا در گرمای کشنده آبادان و هوای مسموم پالایشگاه همراه با تحمل شیکاری و شرایط نامساعد کار باعث شده که پنج سال پیش دچار فلج ناقص شوم و سپس به رعشه مبتلا گردم و تقریباً توانائی کار را از دست بدهم. باوجود این نه مراد رستی معالجه کردند نه از ادامه کار معاف کردند. چنانکه همین الان هم مجبورم با تنی علییل برای تامین زندگی خود و عائله ام کار کنم. شرایط مشقت بار زندگی ام سرزده برای افرادی مثل اینجناب مقدر کرده است که پشت سر هم طعم تلخ و گزنده بدبختی را مزه کنند. چندی پیش دخترم دوازده ساله ام ششمن به درد شدید راه چارشد، مادرش به مدت چهار ماه مرتباً به پزشکان درمانگاه فرج آباد آبادان (درمانگاه شرکت نفت) مراجعه می کرد و هر بار جواب می گفت "چه کم می نیست، ناراحتی موقت است" و در خودش خوب می شود" و بعد با پنج فرسوسکن و یک لوبه همراه آورد است به مسکن می کردند. لیکن روز بروز حال بچه ام

نامه ای از يك روستائی

نامه ای از طرف یکی از اهالی صحنه (در حومه کرمانشاه) بدست ما رسد که نویسنده آن یک محصل کلاس دوم تجربی است. بخاطر طرح مشکلات کشاورزی از طرف نویسنده و از نظر آن بخش هایی از نامه را چاپ می کنیم. نویسنده نامه ابتدا بانام خدا مطلب خود را شروع می کند و پس از صحبت های زیاد نسبت به سازمان چنین ادامه می دهد.

... آنچه می خواستم برای شما بگویم این است که ما یک مالک داریم به اسم سید محمد ملک که بقول خودش "سید" است. در زمان طاغوت پدران ما را شکنجه دادند و آنها را ساعتهای جلوس آفتاب نگهداشتند و در سبک زندان انداختند و شکنجه های زیادی شدند. عاقبت تسلیم شدند و آقای ملک با کمک زاندار میری زمین هارا به ۳ قسمت تقسیم کرد که بدون مکانیزه کردن قسمتی از آن ۲ قسمت خودش برد و یک قسمت راه ما ۳ آبادی به اسمهای مالیر سفلی - یکدانی - چقا جانعلی داد. ما اکنون که به کمک شما همه برادران ما را به پیروزی رسیدیم ناردیگر زمینهای خود را شخم زدیم و کشت بهاره انداختیم. او چند بار نکبت کرد که حتی چند بار روحانی نماها به دهات ما آمدند و می گفتند که شما ناباد روی این زمینها که مال خودتان نیست کشاورزی کنید و همچنین می گفتند اسلام به کسی اجازه نمی دهد که مال دیگری را تصرف کند در صورتیکه اینها همه اشتباه می کردند چند هفته قبل بود که یک روحانی نما با چند مرد مسلح از طرف کمیته صحنه به دهات ما آمدند و ترکتور هارا بیرون آوردند و می خواستند جو کندی را که ما کشت کرده بودیم شخم کنند ولیکن مردمان ما این اجازه را به آنها ندادند. آنها اقدام به تیراندازی کردند و به خیال خودشان می خواستند زحمتکشان ما را بترسانند که شعاری دادند باید زمینها همه مال ما باشد باید همه زمینها را از ما بگیرد و به مالک بدهد و بگذارد ما از گرسنگی بمیریم. در حدود روز پنجم اردیبهشت حکمی از طرف کمیته برای ما آمد که باید کل سه زمینها را به ۳ قسمت تقسیم کرد. یک قسمت به ما ۲ قسمت به مالک داد و وقتی مردم فهمیدند که این برای آنها عادلانه نیست قبول نکردند و نخواهند کرد.

سخنی با دوستانی که ...

بقیه از صفحه ۴ خواهیم بود اشعاری را که گروههای مختلف خوانندگان برای ما فرستاده اند (رفقای کارگر، کارمند، دانش آموزان شجو...)

از یکدیگر جدا و تفکیک کنیم. معیارهای ما برای سنجش شعرها متفاوت خواهد بود، مآشرهائی را که در رابطه با خصلت و نوع فرهنگ هر گروه قابل طرح در این ستون باشد، ارائه و بررسی خواهیم کرد. و بر خورد ما با شعرهای این گروهها چنان خواهد بود که در مجموع، معیارهائی نمی توانیم یک شعر یا اثر را که برای ما رسیده بطور کامل چاپ کنیم و تنها بخشی از آن ممکن است چاپ شود. دلیل این امر گاه طولانی بودن آن شعر یا اثر است (باتوجه به اینکه امکانات ما در این صفحه محدود است) و گاه ماهیت و کیفیت شعر و احتمالاً ناهماهنگی میان بخش های مختلف آن. امیدواریم دوستانی که اشعار و آثار خود را برای ما می فرستند، این محدودیت هایی را که در کار ما وجود دارد درک کنند.

جناب آقای مهندس بازرگان نخست وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران رونوشت: جناب آقای داریوش فروهر وزیر محترم کار و امور اجتماعی احتراماً - اینجناب علی مسعود ساکن شهرستان سقز کردستان مدت ۱۳ ماه از تاریخ ۵۶/۲/۱ لغایت ۵۷/۳/۱ بعنوان خدمتگزار و سرایدار در اداره کار و امور اجتماعی شهرستان سقز استخدام شدم. در این مدت شاهد بودم که اغلب اوقات من باید صرف خربند مشروبات الکلی و لوازم خانه جهت رئیس اداره شود و چون بیکار به این موضوع اعتراض کردم رئیس اداره بالگرد و مشقت من را از اداره کار بیرون و حکم اخراج را صادر کرد. در این هنگام مبارزات رهایی بخش ملت ایران علیه نظام زوروروتزویر گسترش یافت و من فعالانه در این مبارزات شرکت کردم و مدتی هم از سوی ساواک بازداشت شدم اما غمی به خود راه نمی دادم زیرا چنان می پنداشتم با سقوط طاغوت، عدالت واقعی اجرا خواهد شد. اینک از آن موقع تاکنون به تمام مقامات شکایت کرده ام اما گوئی چیزی تغییر نکرده است زیرا قانون پیمان و مقررات همان است که بود و تنها اقدام انقلابی در اعدام خلاصه شده است لذا بنده نیز تقاضا دارم دستور فرمائید با من رابه کار خودم برگردانند تا از بیکاری رهائی یابم و با بعنوان مفسد فی الارض بنده رابه

اجاره خانه یک اتاق ۳x۴ در گرد عر بهای میدان غار ماهیانه	۵۰۰۰
نان (فوت لایموت)	۵۰۰
قند و چای	۶۰۰
ماست و پنیر	۵۰۰
گوشت یک کیلو برای هر ماه	۳۵۰
برنج دو کیلو برای هر ماه	۱۵۰
روغن سه کیلو برای هر ماه	۲۱۰
سبزی خوردن (آخ خورشت نمی خوریم)	۳۰۰
میوه	خدا شهادت نمی خوریم
شیرینی	همینطور
بدهکاری فروش تلویزیون که با ضرر فروخته ام و قسطی	
باید پرداخت کنم ماهیانه تا ۱۸ ماه	۴۵۰۰
در ضمن ۶ ماه آن پرداخت شده	
لباس سالیانه دونفر (۱۲۰۰۰ ریال)	۱۰۰۰
تایید و صابون	۱۵۰
حمام خودم و همسر هر هفته یک مرتبه (خودم ۴۰ ریال، عیال ۵۰ ریال)	۴۰۰
مریضی خودم و همسر (روزی یک تومان)	۳۰۰
مهمان ناخوانده اگر بهیاید	۳۰۰
کفش سالیانه دونفری (۳۰۰۰ ریال)	۲۵۰
سلمانی	نمی روم ز من سرم راقیچی می کند
آرایش ز من	استغفرالله
استهلاک وسایل منزل	۳۰۰
نفت	۳۰۰
پالاکسیم خود دراز کردم (مطبوعات)	۴۵۰
آب و برق (اگر بر خلاف وعده ها پول آب و برق را بگیرند)	۴۰۰
مخارج ایاب و ذهاب	۱۰۰۰
جمع	۱۶۹۶۰ ریال
ما به التفاوت فرض و بدهکاری	
حالا آقای وزیر کار این است هزینه زندگی من و خدا را شکر کنید که ۴ تا بچه نداشتم و گر نه بجای سبیل شاخ در می آوردید از لیست هزینه زندگی من - کارگر ساده - کریم	
با درود فراوان، کارگر ساده - کریم	

جوخه اعدام بسیاری که از شر این زندگی ننگین و نکبت بار و بیکاری خلاص شوم. در انتظار اقدام عاجلانه شما هستیم.

با احترام - علی مسعود ساکن سقز رونوشت روزنامه کار

تاریخچه جنبش کارگری جهان

سرکوب جنبش کارگری در فرانسه و کودتای لوئی بناپارت

قیام ماه ژوئن ۱۸۴۸ میلادی (۱۲۲۷ شمسی) کارگران پاریس با سرکوبی خشن دولت بورژوازی درهم شکسته شد. قصابهای ژنرال کاوانیباک آخرین سنگرهای پاریس را به توپ بستند و خاک یکسان کردند. ژنرال کاوانیباک کسی بود که سفاکیهای او نسبت به ملت هابی که مستعمره فرانسه بودند مشهور بود. او پس از درهم شکستن پیکارهای مردم الحزب اعتباری بیدار کرده بود و اکنون برای سرکوبی کارگران فرانسه اختیار فوق العاده بدست آورده بود. پس از در هم شکستن سنگرهای کارگران حصد ۵۰۰ کارگر در روی سنگفرش خیابانهای حاشی در ماند. بورژوازی پس از بازافتن قدرت بورش و حشانه اش را آغاز کرد و بیست و دو برابر آن تعدادی که در خیابانها کشته بود، یعنی یازده هزار نفر کارگران را قتل عام کرد.

ریاست جمهوری لوئی بناپارت، طبقه کارگر وفادارترین مدافع دموکراسی و پیشرفت اجتماعی بود و شکست این طبقه در ماه ژوئن ۱۸۴۸ راه را برای موج تازه ای از ارتجاع باز کرد. موقعی که انتخابات ریاست جمهوری فرانسه فرا رسید، بازگشت این موج ارتجاعی کاملاً احساس می شد. یکی از دهه‌ها نامزد ریاست جمهوری شاهزاده لوئی ناپلئون بناپارت بود. این شخص برادرزاده ناپلئون اول و فردی خوشگذران و عیاش بود.

اوگاه به صفوف سازمانهای زیرزمینی انتالیانهای پیوست و در کارهای بی اهمیت شرکت می کرد و گاه به گروه اوپاشان لندن می پیوست. وقتی پس از انقلاب ۱۸۴۸ مانع های حاش طلبانه اش در جستجوی ثروت به فرانسه آمد و تصمیم گرفت از نامش استفاده کند. هیچ کس از گذشته بی ساسی او خبر نداشت و کارهایش را جدی نمی گرفت. اما همین موجود غریب و "برادرزاده کوچک ناپلئون بزرگ" در انتخابات ریاست جمهوری بیشترین رای را بدست آورد و رئیس جمهور فرانسه شد.

درواقع نام برابیت او یعنی "لوئی بناپارت" که خاطره پیروزیهای نظامی و حکومت پایدار پادشاهی را در اذهان زنده می کرد باعث شد که بورژوازی بزرگ و قشرهای مرفه دهقانان و خرده بورژوازی شهرها آزار خود را به او بدهند. کودتای دوم دسامبر ۱۸۵۱ میلادی (۱۲۳۰ شمسی)

انتخاب لوئی بناپارت به مقام ریاست جمهوری دوم فرانسه، از همان آغاز نشانه های سقوط جمهوری و ایجاد حکومت مطلقه سلطنتی را در برداشت.

لوئی بناپارت از همه فرصتهایی که مقام ریاست جمهوری در اختیارش گذاشته بود استفاده کرد که جمهوری را از فرانسه براندازد. او در دوم دسامبر ۱۸۵۱ میلادی (۱۲۳۰ شمسی) با کمک ارتش تمام قدرت را بدست گرفت و حکومت مطلقه را برقرار کرد. گروههای کوچک جمهوریخواهان می گویند در پاریس و دیگر شهرهای فرانسه دست به مقاومت بزنند اما اقداماتشان با سرکوبی شدید درهم کوبیده شد. طبقه کارگر فرانسه پس از کشتار دسته جمعی ماه ژوئن دیگر در وضعی نبود که بتواند سلاح بردارد و به مقاومت برخیزد. دیگر نیرویی که بتواند جمهوری را نجات دهد باقی نمانده بود. یکسال بعد از کودتا یعنی در دسامبر ۱۸۵۲ جمهوری عملاً برچیده شد. مجدداً رژیم سلطنتی در فرانسه روی کار آمد و لوئی ناپلئون بناپارت با عنوان ناپلئون سوم



جنگ خیابانی در حومه پاریس (سنت آنتوین) هنگام قیام ماه ژوئن ۱۸۴۷

اعتصاب کارگران تورینگتون در شمال غربی آمریکا برای اضافه دستمزد

در حدود ۱۳۵۰ کارگر تولیدی شرکت تورینگتون برای اضافه دستمزد دست به اعتصاب زدند. شرکت تورینگتون که سوزن و بولبری تولید می کند یکی از بزرگترین شرکتهای شمال غربی آمریکاست. کارگران این کارخانه در حال حاضر بطور متوسط ۶/۴۸ دلار (۴۸۵ ریال) در هر ساعت دریافت می کنند ولی بعلت تورم و بالا بودن قیمت ها این دستمزد کفاف زندگی آنها را نمی کند. لذا آنها تقاضای اضافه دستمزدی معادل بیش از ده



پیروزی باد انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلق عمان

همه این عوامل دست به دست هم داده و موقعیت نیروهای خلق را در مقابل ضد خلق به نحو چشمگیری تغییر داده است.

اخیراً هیئت نمایندگی جبهه خلق برای آزادی عمان برای دیدار از ایران و اعلام همبستگی خلق عمان با خلق ایران و مذاکره با دولت موقت و رهبران ایران به سبب سفر کرد. در این سفر هیئت نمایندگی جبهه خلق برای آزادی عمان یک خلبان ایرانی را که به اسارت جبهه خلق در آمده بود تسلیم دولت ایران کرد. مقامات ایرانی قول داده اند که از جنبش خلق عمان به رهبری جبهه خلق برای آزادی عمان پشتیبانی کنند. جنبش انقلابی خلق ایران در تمام طول مبارزات عمان پیوسته همبستگی مبارزاتی خود را با خلق عمان نشان داده است. این همبستگی هنگامی تشدید شد که یازده هزار نفر از قوای شاه خائن دست به کشتار خلق دلاور عمان زدند. از جمله این همبستگی ها عملیات نظامی بود که به هنگام سفر سلطان قابوس خائن به ایران توسط سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران در تهران به مرحله اجرا گذاشته شد. علاوه بر آن جنبش انقلابی ایران همراه با پشتیبانی همنوی از طریق کمکهای مادی بسیاری بصورت پول و دارو که توسط دانشجویان ایرانی در خارج از کشور جمع آوری می شد به سهم خود به مبارزات خلق عمان کمک رساند. سازمانهای انقلابی ملحق ایران نیز با شرکت مستقیم در مبارزات آزادیبخش خلق عمان وظیفه انترناسیونالیستی (بین المللی) خود را به انجام رساندند. در ضمن این نبردهای شجاعانه در جبهه عمان بود که چنگ تن از مبارزان ایرانی به شهادت رسیدند و خون سرخشان با خون خواهران و برادران

نهم ژوئن (۱۹ خرداد) مصادف است با آغاز پانزدهمین سال انقلاب آزادیبخش عمان.

خلق قهرمان عمان طی چهارده سال گذشته با نبردهای دلاورانه علیه رژیمهای دست نشانده عمان، استعمارگران انگلیسی و تجاوزگران ارتش شاه واردن و... تجربیات بس ارزنده ای اندوخته است. جبهه خلق برای آزادی عمان (P.F.L.O) که رهبری انقلاب عمان را بعهده دارد با بهره مندی از تجربیات شکستناپذیر پیروزیها اکنون برای آغاز یک حرکت نوین در مبارزه علیه دولت دست نشانده سلطان قابوس و امپریالیستهای حامی اش در موقعیت بسیار مناسبی قرار دارد. سرنوشتی رژیم فاشیستی شاه، این ژاندارم خلیج فارس، رژیم دست نشانده سلطان قابوس را در وضع بسیار بدی قرار داده است. هر چند بدستور امپریالیسم آمریکا، برای برگردن خلاء خروج نیروهای ایران از عمان، هفت هزار قوای مصری به عمان اعزام شده است و هنوز تعدادی قوای اردنی در این سرزمین هستند و لوی توان قوا بطور کلی بضرر نیروهای قابوس تغییر کرده است. اکنون شرایط اقتصادی و اجتماعی در عمان بصورتی است که اکثریت عظیم مردم در مقابل رژیم قرار گرفته اند. اثرات رفمهایی که سلطان قابوس در اوّل دهه ۵۰ (۲۰ میلادی) برای فریب توده هادر عمان شروع کرد از بین رفته و اکنون بحران اقتصادی و اجتماعی روز بروز چهره خود را آشکارتر نشان می دهد.

از طرف دیگر جبهه خلق برای آزادی عمان با جمع بندی اشتباهات و برررسی شکستها و پیروزیهای گذشته به یک سازماندهی نوین دست زده و بیش از هر زمان دیگر برای مبارزه ای سخت و طولانی با رژیم قابوس و امپریالیسم آمادگی دارد.

اعزام ۱۰۰ هزار تفنگدار امریکائی به خلیج فارس برای چیست؟

حزبکزاری آسوشیتد پرسی چند روز پیش از قول سناتور زوزف میدن امریکائی گزارش داد که " دولت جیمی کارتر یک نیروی ضربتی ۱۰۰ هزار نفری بمنظور حراست از منافع امریکا در ماوراء بحار بخصوص در خلیج فارس ایجاد خواهد کرد " همین خبرگزاری به نقل از یک مقام وزارت خارجه امریکا اضافه می کند " وجود چنین نیروی در بسیاری از موارد ضروری است و قوت قلبی است برای کشورهای که مورد تهدید قرار می گیرند "

افشای طرح فوق بیکبار دیگر بخوبی ماهیت تجاوز کارانه امپریالیسم امریکائی را نشان می دهد . این مسئله روشن می سازد که امریکا به این سادگی حاضر به از دست دادن منافع عظیم خود در ایران نیست . هم اکنون منافع سرمایه داران امریکائی نه تنها در ایران بلکه در سراسر منطقه از سوی جنبش های انقلابی تهدید می شود . دولت های مرتجع و سگ های زنجیری امریکا در خاور میانه (نظیر رژیم عربستان سعودی) سخت به هراس افتاده اند و خواهان تضمین های قوی تری از سوی امریکا هستند تا به سر نوشت شاه مخلوع دچار نگردند .

تلاشهای جیمی کارتر برای حفظ منافع انحصارات امریکائی در خلیج فارس و اقیانوس هند پس از سقوط رژیم شاه ابعاد وسیعتری پیدا کرده است . امپریالیسم امریکا در داخل ایران توسط عمال خود به توطئه چینی مشغول است تا جاسو رشد انقلاب را سد کند و در موقع مناسب ضربه اصلی خود را بر جنبش خلق ایران وارد سازد . امریکا با اعزام این نیروی ضربتی ۱۰۰ هزار نفره و طرحهای مشابه تلاش می کند تا از طریق ایجاد رعب در سازندگان و نیروهای متزلزل داخلی ، انقلاب را مهار سازد . اما خلقهای قهرمان ایران همانند رزمندگان ویتنام بخوبی ماهیت جنایتکار امپریالیسم امریکائی شناسند ، در مقابل جوشی با این دشمن تجاوزگر همان راهی را انتخاب می کنند که خلق رزمنده ویتنام رفت . ما ایمان داریم که امپریالیسم امریکا هرگز نمی تواند با چنین مانورهای در داخل خلق ما و آنها که در صف خلق قرار دارند وحشتی ایجاد کند . خلق ما به اعتبار رزمندگی خود و حمایت خلقهای جهان تا نابودی سلطه امپریالیسم و برقراری حاکمیت مطلق خوبی ، همواره آماده است تا با حماسه ای از آتش و خون پوزه امپریالیسم تجاوزگر امریکا را بخاک بمالد و ویتنام دیگری برپا سازد .

کارگران مبارز صنعت نفت را بازداشت کردند

حملات وسیع دولت برای سرکوبی کارگران ابعاد تازه ای یافته است . این حملات در وهله اول متوجه کارگرانی است که از حقوق و منافع طبقه کارگر دفاع می کنند و مورد اعتماد و اطمینان کارگران هستند .

در پی بازداشت ۱۷ نفر از کارگران کارخانه نورد اهواز اطلاع یافتیم که دو نفر از کارگران مبارز صنعت نفت که در رهبری اعتصابات فلج کننده بر علیه رژیم منغور شاه فعالیت چشم گیری داشتند ، بازداشت شده اند .

دولت اکنون برای سرکوبی کارگران به همان شیوه هائی متوسل شده است که رژیم دیکتاتوری سرنگون شده بر علیه کارگران بکار می برد . اینست سهم کارگرانی که اعتصابات آنها کمترین رادرم شکست .

بازداشت کارگران عضو شورای کارخانه نورد اهواز

تعداد ۱۷ نفر از کارگران کارخانه نورد اهواز که اکثر آنها عضو شورای کارگری کارخانه و نماینده منتخب کارگران میباشند توسط دولت بازداشت شده اند . نحوه بازداشت کارگران بشکلی کاملاً پیشرفته صورت گرفت . بطوریکه در روز سه شنبه اول خرداد ماه افرادی که مسلح به مسلسل بودند بمنزل مسکونی کارگران یورش بردند و آنها را بازداشت کردند ، این اقدامات ، درست در زمانی صورت میگیرد که دولت بخشناه ضد کارگری خود را خطاب به کارگران انتشار داد .

خانواده های کارگران که بمنظور اطلاع از علت دستگیری سرپرستان خانواده های خود در استانداری اجتماع کرده بودند ، جواب مشخصی دریافت نکردند . آنچه که با آنها گفته شده است اینست که دولت صلاح دیده است که کارگران را بعد از دو ماه از کارخانه دور نگهدارند و او به زندان بفرستد . کار دولتی که دفاع از منافع سرمایه داران وابسته را برعهده گرفته است با نجا کشیده است که خودسرانه کارگران را بازداشت میکند و سرکوبی آنها میبردازد .

تحصن کارگران آرمه و آرمه تسلا با موفقیت پایان یافت

تحصن حق طلبانه کارگران اراچی شرکت آرمه تسلا و آرمه ، شرکتی وابسته با موفقیت پایان پذیرفت . این خواسته عیارت بوداز :
۱- دریافت ۵۰٪ حقوق از زمان اخراج تاکنون .
۲- بازگشت حداقل ۷۵٪ کارگران اراچی به کار .
۳- دریافت تمام مزایا از قبیل حق مسکن ، حق اولاد و حق خواروبسار .

معرفی یک کارگر

بخشونت کشید . به مدت شش شبانه روز عده ای از کارگران دردخانیات متحصن شدند . کم کم تعداد آنها تقلیل یافت و به ۱۷۵ نفر رسید . سرانجام پلیس با اسلحه به طرف کارگران یورش برد و اعتصاب کارگران درهم شکسته شد . قبل از آن دکتر مصدق نخست وزیر وقت تقی باقری را به حضور خود خواسته و از او پرسیده بود که چرا کارگران اعتصاب کرده اند . تقی باقری در جواب گفته بود که عقشان را می خواهند . پس از سرکوب این اعتصاب و تحمصن پلیس به ۶ نفر از فعالترین کارگران را دستگیر کرد و به زندان انداخت . در این هنگام بود که تقی باقری در جزیره خارک

درباره حزب ...

طبقه کارگر کافی نیست ، بلکه اینراد عمل نیز باید به سایر زحمتکشان نشان داد و تنها در اینصورت است که آنها رهبری طبقه کارگر را خواهند پذیرفت . لنیس در این باره می نویسد :
" خود را " پیشاهنگ " و دسته پیشرو نامیدن کم است . باید عمل هم طوری باشد که همه دسته های دیگر ببینند و ناگزیر معترف شوند که ما پیشاپیش دیگران می رویم ... آیا ممکن است نمایندگان سایر " دستها " چنان احمق باشند که " پیش آهنگ " بودن ما را در حرف باور کنند " ؟ و در جای دیگر تاکید می کند :
می توانیم از کارگرانی که مایلند گفته های یکفکر سوسیال دمکرات را بشنوند جلساتی تشکیل دهیم . ما همچنین باید بتوانیم از نمایندگان همه و هرگونه طبقات مردم ، همبفکر که مایل به شنیدن گفته های یکفکر دمکرات باشند جلساتی تشکیل دهیم . زیرا کسی که در عمل

کنگره سراسری ...

افلیتهای مذهبی و قومی برای تعیین خط مشی سیاسی و اقتصادی حکومت تشکیل شود . کنگره در همین بهام مداخله سنای امریکا را در امور داخلی ایران بشدت محکوم کرده در پایان ابراز تمایل کرده است که هر سال در اردیبهشت در یکصد و صدق اجتماع بزرگ حقوقدانان بمنظور پاسداری از حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی تشکیل شود .

گزارشی از تحصن کارمندان شرکت مخابرات

حدوده ۵۰۰ تن از اعضای شرکت تعاونی مسکن مخابرات از روز شنبه ۵۸/۲/۲۹ دست به تحصن زده اند . محل تحصن در اتاق وزیر در شرکت بی سیم می باشد . شعارهای بزرگی در سردریه چشم می خورد که بعضی از آنها از این قبیلند :

ما ضد انقلاب نیستیم پس از سه سال پول خود را می خواهیم از ما پشتیبانی کنید . پس از سه سال برای دریافت ۵۰۰۰ تومان برای سومین بار در دفتر وزیر متحصن شده ایم " " ما اعضای شرکت تعاونی مسکن از تاریخ ۵۸/۲/۲۹ تا دریافت ۵۰۰۰ تومان خود متحصن هستیم " وزیر مخابرات بنابه اظهار یکی از متحصنین خود را پنهان کرده است و هنوز نتوانسته اند با او مذاکره کنند . یکی می گفت :
" سه سال پیش از هر کدام ما ۵۰۰۰ تومان برای ساختن خانه بهمین دلیل ما برای سومین بار متحصن شده ایم " یکی از متحصنین می گفت :
" مادر نامه ای خواسته های خود را نوشته و به وزیر دادیم ولی به ما جواب سر بالا دادند . تحصن ما تا گرفتن حقمان ادامه خواهد داشت . ما خواستار همبستگی همه کارکنان مخابرات هستیم . یک خانم متحصن می گفت :

دو هزار کارگر گروه صنعتی بهشهر به کارفرما ده روز مهلت دادند

تحصن بیش از ۵۰۰ کارگر کلیه کارگاههای وابسته به گروه صنعتی بهشهر که از پنجم خرداد شروع شده بود ، سه شنبه ۸ خرداد با اعلام یک مهلت ۱۰ روزه برای رسیدگی به خواسته های آنها پایان یافت . نمایندگان دو هزار نفر از کارگران کارگاههای صنعتی بهشهر در شهرهای زوقول ، خرم آباد ، اصفهان ، همدان ، شیراز ، زنجان و سرخس که از ماه پیش تاکنون حقوق نگرفتند طی هفته گذشته در دفتر گروه صنعتی بهشهر در خیابان فخر آباد دست به تحصن زدند . عصر دوشنبه نماینده وزارت کار ضمن شرکت در جلسه کارگران درباره مشکلاتی که سهامداران اصلی گروه صنعتی بهشهر (سیرادران لاجوردی ، خادم ، رحمانی کیا) با آن

پیروز باد ...

بقیه از صفحه ۱۰
عمانی در هم آمیخت . از جمله ایس شهید رفقا فرهاد سپهری و خسرو اردبیلی از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و رفعت افراز از سازمان مجاهدین خلق ایران بودند .
افتخار بر آنها
مادر آستانه یازدهمین سالگرد انقلاب عمان بهترین شادابنهایی خود را تقدیم خلق قهرمان عمان و سازمان رزمنده شان " جنبه خلق برای آزادی عمان " می کنیم و پیروزی آنان را در سرنگونی رژیم دست نشانده سلطان قابوس و در راه ایجاد عمانی آزاد ، آباد و شکوفان آرزو مندیم .
ما به همین مناسبت و برای آگاهی بیشتر خوانندگان از شماره آینده به بررسی مختصری از اوضاع اقتصادی اجتماعی عمان و تاریخچه مبارزاتی این خلق مبارز مبادرت خواهیم کرد .

تبدیل پول ...

بقیه از صفحه ۷
نیر چیزی حر کلاهدراری نخواهد بود . پس کلاهدراری نیز در معاملات نمی تواند منشا " اضافه ارزش " باشد . مثال : اگر دو جفت کفش که ارزشی برابر ۱۵۰ تومان دارند بایکدیگر لیس کنند ارزش آن ۲۰۰ تومان است مادله شوند ، فروشنده کفش نوانسه است ۵۰ تومان سرفروشنده لیس کلاه گذارد . ولی مجموع هر دو کالا ارزشی برابر :
۲۰۰ + ۱۵۰ = ۳۵۰
تومان دارند و نمی توانند با کالایی که بیش از ۳۵۰ تومان ارزش دارد معامله شوند . بنابراین کلاهدراری زود منقض می شود و نمی تواند برای همسه و بطور طبیعی ادامه بیداند . در این حال فقط شکل تقسیم و توزیع آن فری کرده است . همچنین فردی که را بخوار است نیز نمی تواند از طریق مادله بول مایولی بیشتر " اضافه ارزش " خلق نماید . او فقط ارزش موجود را از جنب شخصی دیگر بیرون آورده و به حساب خودش زبخته است . بنابراین چنین شیخی نمی گیم که :
" نه مادله ارزشهای برابر و نه مادله ارزشهای نامتساوی ، اضافه ارزشی ایجاد نمی کند پس اضافه ارزش از مادله و گردش سرچشمه نمی گید " (جلد یک سرمایه ص ۲۳)

هنوز سؤال مورد نظر ما بدون پاسخ مانده است . بالاخره این پول بیشتر از کجای می آید ؟ اگر مادله ارزشهای مساوی و مادله ارزشهای نامتساوی منشا " اضافه ارزش " نیستند و اگر اضافه ارزش از مادله و گردش کالا سرچشمه نمی گید پس باید آراد درون خود جریان مادله جستن جو کرد . برای اینکه در پایان جریان گردش (پول - کالا - پول) ارزش بیش از آغاز آن یعنی (پول - کالا - پول) بدست آید باید صاحب پول در بازار کالایی خریداری نماید که اضافه ارزش ایجاد کند . بعبارت دیگر وقتی که این کالا مصرف شد ، تولید اضافه ارزش نماید . پس باید کالایی وجود داشته باشد که مصرف آن ارزش تولید کند و این ارزش بیشتر از ارزشی باشد که برای پول پرداخت گردیده است . این کالای استثنائی چیست ؟ این کدام کالایی است که مصرف آن ارزش تولید می کند ؟

این کالای " ارزش زای و بی مزه " نیروی کار انسانی است . " نیروی کار با دارائی کار " عبارست از مجموع توان فکری و جسمی انسان که برای تولید کالا مصرف می شود . وقتی که فروخته می شود در جریان مورد استفاده کارفرما قرار می گیرد صاحب پول و وسیله تولید کننده ساده به سرمایه دار تبدیل می گردد . در شماره آینده چگونه تبدیل نیروی کار انسان به کالا را مورد بررسی قرار داده و سپس به مسئله ارزش اضافی خواهیم پرداخت .

همه مستشاران خارجی باید اخراج گردند

